

نسل‌مانا

ماهنامه نابینایان / سال سوم / شماره ۲۸ / فروردین ماه ۱۴۰۳



برخی عناوین این شماره:

* پشتی‌ها را بردارید / پشتیبان معلولان باشید

* تقویم رویدادهای جهانی مربوط به آسیب‌بینایی در سال ۱۴۰۳

* نگاهی به وضعیت دسترس‌پذیری در کنسول‌های بازی و بازی‌های ویدئویی برای نابینایان و کم‌بینایان

* درک معجزه تصاویر به کمک امکان تازه در صفحه‌خوان جاز

* «قانون معلولان» شش سال پس از تصویب همچنان منزوی است

فهرست

صاحب‌امتیاز: انجمن نابینایان ایران	پشتی‌ها را بر نداردید...پشتیبان معلولان
مدیرمسئول: امیر سرمدی	باشید! ۲
سر دبیر: امید هاشمی	گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران
نویسندگان: رؤیا بابایی، فاطمه جوادیان، نگین	(فروردین ۱۴۰۳) ۵
حیدری، امیر سرمدی، جواد سقا، ابوذر سمیعی، منصور	پیشخوان: مروری بر نشریات و
شادکام، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان، امین عرب،	پادکست‌های انگلیسی‌زبان ویژه افراد با
محمد نوری، امید هاشمی و زهرا همت	آسیب بینایی ۷
مترجمان: میثم امینی، مریم مشایخی و امید هاشمی	مثبت‌اندیشی شاه‌راه گذار از ناکامی‌ها .. ۱۰
ویراستار: فاطمه محسن‌زاده	تعامل در بانک ۱۲
ویراستار بریل: روح‌الله رنجبر	نگاهی به وضعیت دسترس‌پذیری در
طراح لوگو و جلد: ترانه میلادی	کنسول‌های بازی و بازی‌های ویدئویی
عوامل تهیه و تدوین پادکست‌ها: اشکان	برای نابینایان و کم‌بینایان ۱۴
آدرماسوله، نگین حیدری، امیر سرمدی، رقیه شفیعی و	قانون کاغذی: «قانون معلولان» شش سال
امید هاشمی	پس از تصویب همچنان منزوی است ... ۱۶
گوینده نسخه صوتی: زهرا همت	خط بریل در عصر صفحه‌خوان‌ها: ضرورتی
تنظیم نسخه‌های الکترونیکی: زهرا همت	انکارناپذیر یا مهارتی منسوخ؟ ۱۸
مدیر شبکه‌های اجتماعی: امیر سپهری	نامه اول: کوله‌گرد چطور کوله‌گرد شد:
مدیر صفحه اینستاگرام: اعظم چلوی	رهایی از تله اثبات ۲۱
چاپ بریل: بخش نابینایان کتابخانه مرکزی یزد	نابینایان و دفاتر اسناد رسمی ۲۳
صحاف: ماهرخ تجا	روزهای جهانی مربوط به آسیب بینایی. ۲۵
توزیع: اداره کل پست استان یزد	نقاشی با کلمات (بخش سوم) ۲۷
حامی مالی: پاما، شرکت دانش‌بنیان پکتوس	تحلیلی از ضرب‌المثل‌های نابینایی ۲۹
با سپاس از همراهی علی‌اکبر جمالی، مدیرعامل انجمن	نواک: نوای کتاب در گفتگو با صاحب‌نظران
نابینایان ایران	نابینا ۳۲
	ما را به خیر تو امیدی نیست! ۳۳

حمایتی است، پس چرا اعضای دولت و کارگزاران ایشان قوانین مرتبط با معلولان را اجرا نمی‌کنند و نسبت به بدیهی‌ترین حقوق این قشر تا این اندازه بی‌تفاوت هستند؟

افزایش ۳۰ درصدی مستمری‌ها حلال مشکلات معلولان نیست

یکی از مسائل جنجال‌برانگیز در سال گذشته تجمعات معلولان برای افزایش مستمری و اجرای ماده ۲۷ قانون حمایت از حقوق معلولان بود؛ ماده‌ای که در آن به صراحت دولت مکلف شده است برای معلولان شدید و خیلی شدید بدون شغل و درآمد مستمری به میزان حداقل حقوق وزارت کار پرداخت کند؛ در همین راستا دولت امسال مستمری نهادهای حمایتی را تنها ۳۰ درصد افزایش داده که رشد حدود ۲۵۰ هزار تومانی را برای افراد یک‌نفره شامل می‌شود. بر اساس جدول دستمزد سال ۱۴۰۳، حداقل دستمزد روزانه برای کارگران و کارمندان ۲۳۸ هزار تومان در روز و حداقل حقوق ماهانه بدون در نظر گرفتن سایر مزایا، ۷ میلیون و ۱۶۶ هزار تومان است. طبق ماده ۲۷ قانون حمایت از حقوق معلولان، دولت در سال ۱۴۰۳ می‌بایست بیش از ۷ میلیون به معلولان بدون شغل و درآمد مستمری پرداخت کند. این در حالی است که میزان مستمری مددجویان از ۷۴۶ هزار تومان در سال گذشته، تنها به ۹۹۳ هزار تومان رسیده است و کمتر از یک‌هفتم مستمری واقعی را در برمی‌گیرد.

در شرایطی که نمایندگان کارگری عضو شورای عالی کار سبد معیشت کارگران در سال جاری را ۲۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان و نمایندگان کارفرمایان سبد معیشت را ۱۶ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان اعلام کردند، در نهایت حقوق کارگران با افزایش ۳۵ درصدی و با در نظر گرفتن کسر بیمه، به کمتر از ۱۰ میلیون تومان می‌رسد. با نگاه واقع‌بینانه‌تر، میزان پرداخت مستمری از سوی بهزیستی، کمتر از یک‌شانزدهم هزینه‌های واقعی زندگی طبق رقم سبد معیشت اعلامی از سوی نمایندگان دولت است.

پشتی‌ها را بردارید... پشتیبان معلولان باشید!

امیر سرمدی: مدیرمسئول



تعطیلات سال نو خورشیدی هنوز تمام نشده که ماراتن افزایش قیمت‌ها آغاز شده است و رشد تورم در جامعه، چنان با قدرت اسب خود را زین کرده که تنها در ماه نخست سال، مابه‌التفاوت افزایش حقوق و دستمزد در سال جاری به نسبت سال گذشته را در خود بلعیده است. در چنین شرایطی افزایش ۳۰ درصدی مستمری برای نهادهای حمایتی خود قصه‌ پر غصه دیگری است که به بهانه آن در این یادداشت قصد داریم به وضعیت معیشتی معلولان در ایران، میزان پرداخت مستمری به آنها در ده سال گذشته و مقایسه آن با پایه حقوق وزارت کار، چرایی عدم واریزی عیدی مددجویان و حمایت‌های معیشتی از افراد دارای معلولیت در اروپا و آمریکای شمالی نگاهی بیندازیم.

به جای برداشتن پشتی‌ها از معلولان

پشتیبانی کنید

سیزدهم فروردین ماه فیلم کوتاهی از ضیافت افطاری ابراهیم رئیسی با ایتام تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی منتشر شد که ایشان به پشتی‌ها و میزی که برای جایگاه رئیس‌جمهور در نظر گرفته بودند اعتراض می‌کند و دستور می‌دهد پشتی‌ها را جمع کنند تا ایشان در کنار مددجویان بهزیستی افطار کند. افکار عمومی این حرکت سید محرومان را مانند بسیاری از اقدام‌های ایشان نمایشی ارزیابی کردند و اعتقاد دارند حضرت آیت‌الله اگر واقعاً به فکر افراد تحت پوشش نهادهای

سازمان بهزیستی، به‌جای آنکه مطالبه‌گر حقوق معلولان و پیگیر واریز عیدی سال ۱۴۰۳ مددجویان و پرداخت مابه‌التفاوت افزایش مستمری آنها در پنج ماه ابتدایی سال ۱۴۰۲ باشد، در کمال خونسردی اعلام می‌کند واریز عیدی در قانون نیامده و در دولت‌های قبل نیز از منابع دیگری پرداخت می‌شده است.

سازمان بهزیستی تقریباً از اواسط دهه ۸۰ و تا سال ۱۴۰۱، در ماه پایانی سال معادل میزان مبلغ یک مستمری ماهانه به‌عنوان عیدی برای مددجویان واریز می‌کرد؛ اقدامی که دو سال است این سازمان از پرداخت آن ظفره می‌رود. به‌راستی در شرایطی که برای افراد شاغل حق مسکن تنها معادل یک‌دهم اجاره در شهرهای بزرگ، بن مواد غذایی معادل سه‌کیلو گوشت و میزان حق تأهل با قیمت یک تی‌شرت برابری می‌کند، زندگی برای معلولان بدون شغل و درآمد چگونه می‌گذرد؟

مقامات جمهوری اسلامی ایران که مدعی دستگیری از محرومان هستند، برای گذران زندگی معلولانی که جز مستمری بهزیستی و یارانه دولت هیچ درآمد دیگری ندارند چه برنامه‌هایی دارند؟ چه کسی باید پاسخ‌گو باشد؟ رهبری؟ رئیس‌جمهور؟ وزرای دولت؟ نمایندگان مجلس؟ رئیس سازمان برنامه و بودجه؟ این جماعت که همگی خود را خدمت‌گزار مردم می‌دانند، چگونه خدمت کرده‌اند که فاصله زندگی معلولان با بدبخت‌ترین نیازهای اولیه آنها تا این اندازه افزایش یافته است؟

وضعیت پرداخت مستمری در کشورهای

توسعه یافته به معلولان

پیش از پرداختن به چگونگی حمایت از معلولان در کشورهای توسعه یافته، بر این نکته تأکید می‌شود که هم‌وطنان دارای معلولیت رقم‌های اعلامی به دلار و یورو را در ریال ایران ضرب نکنند تا از آن مقایسه غلطی به دست نیاید.

معلولان در کشور فنلاند، از دو طریق حمایت می‌شوند؛ یکی سازمان خدمات معلولان که زیر نظر شهرداری‌ها

طبق قوانین، سازمان بهزیستی می‌بایست مستمری سالانه نهادهای حمایتی را به میزان تورم سالانه محاسبه و افزایش دهد که در این صورت مستمری ۱۴۰۳ به جای ۳۰ درصد، باید ۴۵ درصد افزایش می‌یافت. بنا بر افزایش ۳۰ درصدی، مستمری افراد یک‌نفره در سال جاری ۹۹۳ هزار تومان، دو نفره ۱ میلیون و ۴۱۹، سه نفره ۱ میلیون و ۹۸۷، چهار نفره ۲ میلیون و ۵۵۵ و خانواده‌های دارای پنج فرد معلول ۳ میلیون و ۱۲۳ هزار تومان خواهد بود. نکته قابل توجه در این بین، اختلاف فاحش میان میزان مستمری معلولان با پایه حقوق وزارت کار در ده سال گذشته است که این اختلاف همواره بین یک‌هفتم تا یک‌پانزدهم بوده است.

مستمری معلولان در سال ۱۳۹۲، ۵۳ هزار تومان و حقوق پایه وزارت کار ۴۸۷ هزار تومان بوده است. در سال ۹۳ مستمری ۵۳ و حقوق پایه ۶۰۸ هزار تومان، سال ۹۴، ۵۳ مستمری ۵۳ و حقوق پایه ۷۱۲ هزار، سال ۹۵ مستمری ۵۳ و حقوق پایه ۸۱۲، سال ۹۶ مستمری ۱۴۶ و پایه حقوق ۹۲۹، سال ۹۷ مستمری ۱۶۲ و پایه حقوق ۱ میلیون و ۲۶۴ هزار، سال ۹۸ مستمری ۱۹۸ و پایه حقوق ۱ میلیون و ۵۱۲، سال ۹۹ مستمری ۲۲۷ و پایه حقوق ۱ میلیون و ۹۱۰، سال ۱۴۰۰ مستمری ۳۵۰ و پایه حقوق ۲ میلیون و ۶۰۰، سال ۱۴۰۱ مستمری ۴۲۰ و پایه حقوق ۴ میلیون و ۱۷۹، سال ۱۴۰۲ مستمری ۷۴۶ و پایه حقوق ۵ میلیون و ۳۰۸ و در سال ۱۴۰۳، میزان مستمری ۹۹۳ هزار و پایه حقوق وزارت کار ۷ میلیون و ۱۶۶ هزار تومان خواهد بود؛ بنابراین اختلاف فاحش میان پرداخت مستمری نهادهای حمایتی با حداقل دستمزد سالانه به این دولت و آن دولت ارتباط ندارد و بی‌توجهی به حقوق و قوانین معلولان، متوجه تمامی حاکمان نظام و یک رویه در ایران است.

عیدی معلولان بازهم واریز نشد

عدم واریز عیدی برای معلولان از سوی سید محرومان به یک سنت بدل شده و سازمان بهزیستی نیز ظاهراً آن را یک سنت حسنه می‌داند. علی محمد قادری، رئیس

آلمان شاغل باشند، دیگر حقوق بیکاری و اجاره مسکن به آنها تعلق نمی‌گیرد. حمل و نقل عمومی درون کشور آلمان برای نایبانیان با یک همراه رایگان است، اما برای هواپیما و قطارهای سریع‌السیر نرخ بلیت برای نایبانیان آزاد و برای همراه آنها رایگان است. خدمات درمانی و تجهیزات کمک‌توان‌بخشی نیز رایگان در اختیار معلولان این کشور قرار می‌گیرد.

در کشور آمریکا خدمات حمایتی از معلولان بسته به قوانین هر ایالت متفاوت است و مستمری معلولان بین ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ دلار متغیر است. اگر نایبانیان درآمد بالای ۲۷۰۰ دلار و سایر معلولان جسمی درآمد بالای ۱۴۰۰ دلار داشته باشند، مستمری مذکور دیگر به آنها تعلق نمی‌گیرد. تمامی معلولان در آمریکا تحت پوشش حمایت‌های غذایی، پرداخت اجاره مسکن، حمایت‌های درمانی و تجهیزات مورد نیاز در زمینه ابزارهای توان‌بخشی هستند. در دیگر کشور آمریکای شمالی، یعنی کانادا نیز اوضاع کمی بهتر است. معلولانی که بدون درآمد هستند یا درآمد اندکی دارند، دولت به آنها ۶۵۰ دلار پرداخت می‌کند. مستمری یا مبلغ حق معلولیت نیز جداگانه، ماهانه ۴۰۰ دلار است. در زمینه مسکن، خانه‌هایی که اجاره آنها کمتر از ۵۵۰ دلار باشد، اجاره آن از سوی دولت پرداخت می‌شود و بالاتر از این میزان توسط خود فرد باید پرداخت شود. نکته قابل توجه در این بین، ساخت خانه‌هایی با امکانات بالا از سوی شهرداری‌ها در کانادا است که تمامی آنها با نرخ کمتر از ۵۵۰ دلار عرضه می‌شود تا در عمل معلولان برای سکونت در آن اجاره‌ای پرداخت نکنند. معلولان برای گرفتن این خانه‌ها بین یک‌ماه تا گاهی دو سال باید در نوبت باشند. حمل و نقل برای معلولان در کانادا رایگان است و غذای خشک و گرم برای افرادی که به آن نیاز داشته باشند، بدون محدودیت توسط سازمان‌ها و مؤسسه‌هایی که در این زمینه فعالیت دارند، داده می‌شود.

است و پرداخت حق‌الزحمه دستیار شخصی برای امور روزمره زندگی، فراهم کردن تاکسی رایگان، پرستار و تأمین تجهیزات کمک‌توان‌بخشی از جمله بخشی از خدمات این سازمان است. کلا دیگر مرکز حمایتی از معلولان در فنلاند است که مستقیم زیر نظر دولت است. کلا به معلولانی که بالای شانزده سال سن و بالای سه سال در فنلاند اقامت داشته باشند، حقوقی معادل ۴۶۰ یورو در ماه پرداخت می‌کند، البته این پرداخت بسته به نوع و شدت معلولیت از ۱۵۰ تا ۴۶۰ یورو متفاوت است، خواه فرد شاغل باشد یا نباشد. همچنین یک فرد معلول شاغل می‌تواند در هر سنی خود را بازنشسته و تا پایان عمر حقوق بازنشستگی دریافت کند. پرداخت مستمری بازنشستگی و کمک‌هزینه‌های آن در مجموع ۳۴۵ یورو و ضمانت بازنشستگی معادل ۶۶۵ یورو در ماه است. کمک‌هزینه افراد بدون شغل در فنلاند ۵۰۰ یورو است و نیمی از مبلغ اجاره مسکن نیز برای این افراد از سوی دولت پرداخت می‌شود. تاکسی و تمام خدمات حمل و نقل عمومی برای معلولان و یک فرد همراه در فنلاند رایگان است، اما برای قطارهای بین‌شهری تنها برای همراه فرد معلول به صورت رایگان محاسبه می‌شود. شرایط تشریح شده در بالا، تقریباً در تمامی کشورهای حوزه اسکاندیناوی برای معلولان مشابه است.

در کشور آلمان، معلولان بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ یورو حقوق بیکاری می‌گیرند؛ علاوه بر آن نایبانیان در آلمان ۸۷۰ یورو به عنوان حق معلولیت دریافت می‌کنند که این مبلغ قرار است بین ۷۰ تا ۱۰۰ یورو در سال جاری میلادی افزایش یابد و به حدود ۹۵۰ یورو برسد. همچنین دولت مبلغ اجاره‌خانه معلولان بدون شغل را پرداخت می‌کند. نایبانیان در تمامی شهرهای آلمان به شرط آنکه متراژ خانه آنها کمتر از ۶۵ متر باشد، از این تسهیلات برخوردار می‌شوند. البته مبلغ پرداخت اجاره‌خانه در شهرهای مختلف آلمان متفاوت است، اما به صورت میانگین، از ۴۰۰ تا ۷۰۰ یورو به عنوان اجاره مسکن به معلولان بدون شغل پرداخت می‌شود. اگر نایبانیان در

گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (فروردین ۱۴۰۳)

منصور شادکام: قائم‌مقام انجمن نابینایان ایران

این بار هم به روال سال گذشته، مهندس منصور شادکام، قائم‌مقام و سخنگوی هیئت‌مدیره انجمن، نخستین شماره از سلسله گزارش‌های فعالیت‌های انجمن نابینایان ایران در سال ۱۴۰۳ را آماده و ارائه کرده‌اند. شما می‌توانید ضمن مطالعه خلاصه مکتوب این گزارش، شرح آن را هم در قالب یک فایل صوتی، ذیل همین نوشته در وبگاه و سایر شبکه‌های نسل‌مانا دریافت کنید.



بار دیگر لازم می‌دانم فرارسیدن سال نو را به همه مخاطبان نسل‌مانا، اعضای تحریریه این ماه‌نامه، هیئت‌مدیره انجمن و فردفرد خیرین و سایر افرادی که در طول سال گذشته یاریگر ما بودند تا بتوانیم فعالیت‌هایمان را ادامه دهیم تبریک عرض کنم. همچنین از درگاه خداوند برای تک‌تک عزیزان آرزوی قبولی عبادات را در ماه رمضان دارم و عید فطر را هم تبریک می‌گویم. همان‌طور که از قدیم گفته‌اند: سالی که نکوست، از بهارش پیداست، امسال هم حلول سال

لزوم اصلاحات ساختاری در نظام حکمرانی ایران

نکات مطرح‌شده برای ترسیم یک آرمان‌شهر برای زندگی معلولان در غرب و مقایسه زندگی در کشورهای توسعه‌یافته با ایران مطرح نشد، چراکه آنها نیز مشکلات خاص خود را دارند. غرض از اشاره به استانداردهای زندگی معلولان در اروپا و آمریکای شمالی، یادآوری این نکته بود که آنها مانند انسان‌های اولیه درگیر بدیهی‌ترین نیازهای زندگی نیستند، بلکه نظام حکمرانی در آن کشورها سطحی از زندگی برای معلولان را فراهم کرده که آنها با آرامش به فکر پیشرفت در جامعه باشند و به‌واقع زندگی کنند تا زنده‌مانی.

افزایش فشارهای اقتصادی و عدم توجه مسئولان به وضعیت زندگی معلولان در کشور ما باعث سرخوردگی این قشر و افزایش رؤیای مهاجرت در میان آنها شده است. چه بسیار از معلولانی که در سال‌های اخیر حتی با تغییر دین و آیین خود و به بهانه مسائل هم‌جنس‌گرایی فرار را به‌قرار ترجیح داده‌اند و با رساندن خود به کشور ترکیه، قصد پناهندگی اجتماعی در یکی از کشورهای اتحادیه اروپا یا کانادا را دارند! بنابراین آیا وقت آن نرسیده که مسئولان تصمیم به ایجاد اصلاحات ساختاری در کشور بگیرند؟

مخلص کلام آنکه، تجربه ۴۵ سال گذشته نشان داده نظام حکمرانی کنونی نمی‌تواند از معلولان در برابر آسیب‌های اجتماعی محافظت کند و روزبه‌روز به مشکلات آنها افزوده است؛ مشکلاتی که دیگر تحمل آن برای گروهی از اعضای جامعه هدف، در عمل غیرقابل‌تحمل شده است؛ از این رو از حاکمان و تصمیم‌سازان کشور انتظار می‌رود ضمن تن دادن به قوانین موجود، شرایط زندگی برای افراد دارای معلولیت در ایران را به‌گونه‌ای بهبود بخشند که کرامت انسانی آنها نیز حفظ شود.

به امید آن روز

نسل‌مانا

یک‌صدایی ایجاد کنیم. با توجه به اینکه انجمن تنها سازمان مردم‌نهادی است که ۲۴ دفتر نمایندگی در سراسر کشور دارد، امیدواریم به کمک این دفاتر نمایندگی و سایر دوستان بتوانیم این وحدت رویه را در کشور به وجود بیاوریم. مهم آن است که همه ما بر این تصمیم استوار و هم‌صدا باشیم که خودخواهی و حرکت‌های فردی را کنار بگذاریم و از قضاوت‌های بی‌مورد و نادرست نسبت به همدیگر اجتناب کنیم و به فکر تحقق اهدافی باشیم که خیر جمعی را دنبال می‌کنند.

قضاوت‌های بی‌مورد و نابجا امروز به آفتی بزرگ در جامعه افراد با آسیب‌بینایی تبدیل شده است. بهتر است پیش از انتشار و انعکاس هر خبر و نقل‌قول و گزاره‌ای حتماً ابتدا به‌دقت درباره‌اش تحقیق کنیم و بعد آن را منتشر کنیم. هیچ‌یک از سازمان‌های مردم‌نهاد از بودجه دولتی برخوردار نیستند و اگر هم کاری صورت می‌گیرد، به مدد ارتباطاتی است که ما در جامعه ممکن است داشته باشیم. همه ما اعتبار خود را گرو می‌گذاریم تا بتوانیم بودجه‌های مورد نیاز پروژه‌ها را تهیه کنیم. لازم است قدردان افراد و مجموعه‌هایی باشیم که با نگاه خیرخواهانه یا در راستای مسئولیت اجتماعی‌شان از ما حمایت می‌کنند تا بتوانیم گام‌های مؤثری را برای بهبود کیفیت زندگی افراد آسیب‌دیده بینایی برداریم.

در پایان ضمن تشکر از همه همراهان انجمن نابینایان ایران، بار دیگر برای شما موفقیت و سربلندی آرزو می‌کنم.



نو با بهار قرآن مقارن شده و این تلاقی قطعاً نویدبخش روزهای خوبی برای همه ما ایرانیان خواهد بود.

امسال هم انجمن نابینایان ایران طرح‌ها و برنامه‌های گوناگونی را برای اعضای خود و سایر گروه‌های افراد نابینا و کم‌بینا تدارک دیده است که امیدوارم با یاری شما بتوانیم آنها را به سرانجام برسانیم. اغلب این برنامه‌ها جزء مطالبات خود اعضای جامعه هدف از انجمن نابینایان ایران است؛ بنابراین می‌طلبید که صاحب‌نظران نابینا و کم‌بینا با هر سطح از دانش و تخصص، ما را در اجرا و تحقق آنها یاری کنند. انفعال و سکوت در شرایط کنونی جایز نیست و لازم است با هر سطحی از توانایی، از طرح‌ها و برنامه‌هایی که در راستای اهداف جامعه نابینایان است حمایت کنیم. اگر در جایی برنامه‌ای برای نابینایان تولید می‌شود، چه نسل مانا، چه قالب‌های دیگری نظیر برنامه رادیویی شش نقطه، صحیح‌تر آن است که با سازندگان و تولیدکنندگانشان در تماس باشیم و سعی کنیم ارتباطمان را با آنها حفظ کنیم و با پیشنهادها و انتقادات سازنده، آنها را یاری و به بهبود کیفیت برنامه‌ها کمک کنیم. ماه‌نامه نسل مانا و برنامه شش نقطه می‌توانند بستر مناسبی برای انعکاس گزارش‌های «ان‌جی‌ا»های مختلف باشند. این ماه‌نامه لزوماً به انجمن نابینایان ایران تعلق ندارد. با توجه به اینکه نسل مانا در حال حاضر تنها نشریه تخصصی حوزه نابینایان در کشور است، می‌توان از آن به‌عنوان محلی برای انعکاس گزارش فعالیت‌ها و مشکلات و انتظارات و نیازهای جامعه افراد با آسیب بینایی استفاده کرد. ما از انتشار همه این موارد هم از طریق نسل مانا و هم از مسیر شش نقطه استقبال می‌کنیم.

انجمن نابینایان ایران امسال هم با توجه به موفقیت‌آمیز بودن ایده تدوین تقویم سالانه، تقویم فعالیت‌های سال جدید را ترسیم و ارائه خواهد کرد. یکی از اهدافی که انجمن در سال جدید دنبال می‌کند این است که بتوانیم در میان انجمن‌ها، شبکه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های مختلف افراد نابینا و کم‌بینا وحدت رویه و

چت جی‌پی‌تی یا جیمینای بارگذاری کند تا توضیحات مورد نیازش را دریافت کند؛ اما کاری که جاز کرده این است که این فرایند را برای کاربران نابینا به میزان قابل توجهی تسهیل کرده است.

شما در هر موقعیتی که باشید می‌توانید از این قابلیت در جاز استفاده کنید، از جمله مثلاً وقتی در حال خواندن یک کتاب الکترونیکی هستید و عکسی روی صفحه نمایش داده می‌شود، به سادگی با فشردن چند کلید می‌توانید توصیف آن عکس را دریافت کنید. همچنین اگر فایل عکس را در رایانه‌تان ذخیره کرده‌اید، می‌توانید بدون باز کردن فایل، آن را به دست هوش مصنوعی بسپارید؛ به علاوه وقتی در حال وب‌گردی با عکسی مواجه می‌شوید هم می‌توانید آن را با چند کلید به هوش مصنوعی ارسال کنید.

یکی دیگر از قابلیت‌های جذاب این امکان تازه این است که می‌توانید یک فریم از ویدئوی در حال پخش را هم با هوش مصنوعی به اشتراک بگذارید تا برایتان توصیف کند. پیش‌تر هم گفته شد که این قابلیت‌ها تا پیش از این هم در ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی وجود داشته، اما کاری که جاز کرده، تسهیل انجام این قبیل کارها است؛ به‌طور مثال قبلاً اگر می‌خواستید یک فریم از ویدئو را در اختیار هوش مصنوعی بگذارید، باید ابتدا عکس صفحه‌نمایش را در رایانه ذخیره می‌کردید و سپس آن را با هوش مصنوعی به اشتراک می‌گذاشتید، اما جاز همه این گرفتاری‌ها را از مسیر حذف کرده است. اگر شنونده نسخه صوتی پیشخوان باشید، آنجا به‌طور نمونه هر یک از این قابلیت‌ها را به نمایش گذاشته‌ایم. همچنین قدری راجع به این صحبت خواهیم کرد که این قابلیت، در چه موقعیت‌هایی ممکن است زندگی را برای ما تسهیل کند.

پیشخوان: مروری بر نشریات و پادکست‌های انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی

امید هاشمی: سردبیر

در این شماره ابتدا یک قابلیت تازه را در صفحه‌خوان جاز معرفی خواهیم کرد. سپس با یک ابزار جادویی ویژه افراد کم‌بینا آشنا خواهیم شد و در ادامه هم زندگی یک ناشنوا نابینای آمریکایی را از نظر خواهیم گذرانند.

درک معجزه تصاویر به کمک امکان تازه در صفحه‌خوان جاز

از وقتی صفحه‌خوان ان‌وی‌دی‌ای امکاناتش رو به فزونی گذاشته و از فارسی به‌خوبی پشتیبانی می‌کند، دیگر صفحه‌خوان محبوب، یعنی جاز میدان رقابت را به این صفحه‌خوان واگذار کرده است و دیگر کمتر کاربری به دنبال نصب و راه‌اندازی آن می‌رود، به ویژه آنکه ان‌وی‌دی‌ای بر روی رایانه‌هایی با مشخصات سخت‌افزاری متوسط رو به پایین هم نصب می‌شود، اما نصب نسخه‌های اخیر جاز، حافظه و پردازنده امروزی‌تری می‌طلبد، اما حالا یکی‌دو سالی می‌شود که طراحان جاز هم به دنبال تغییر زمین بازی افتاده‌اند و سعی می‌کنند با افزودن امکانات تازه، مزیت رقابتی‌شان را نسبت به دیگر صفحه‌خوان‌های بازار افزایش دهند. قابلیت شناسایی عکس یکی از همین امکانات است که به‌تازگی به جاز اضافه شده است.

کاربران به کمک قابلیت «پیکچر اسمارت ای‌آی»^۱ در جاز می‌توانند عکس‌های مورد نظرشان را به جاز بدهند تا این صفحه‌خوان آن را با هوش مصنوعی به اشتراک بگذارد و به این ترتیب توضیح کاملی از محتوای عکس در اختیار کاربر قرار بگیرد، البته این کار در حال حاضر بدون وجود جاز هم شدنی است؛ به‌گونه‌ای که هر کاربر خود می‌تواند عکس مورد نظرش را در محیط‌هایی نظیر

¹ Picture Smart AI

جادوی درشت‌نمایی با نمایشگرهای کلور

سم در ابتدای ویدئو اقدام به جعبه‌گشایی درشت‌نمای کلور می‌کند؛ جایی که ما با یک درشت‌نما که در یک کیف شکل‌جاسازی شده، یک نمایشگر اضافه و کابل‌های اتصال مواجه می‌شویم؛ در واقع این نمونه از کلور یک صفحه‌شانزده اینچی است که به یک دوربین ۴ کی با لنز عریض مجهز شده است. صفحه‌نمایش اضافه برای این است که کاربر بتواند آن را هم به صفحه‌شانزده اینچی اضافه کند تا یک صفحه با اندازه‌ی دو برابر معمول داشته باشد. طراحی سخت‌افزاری این نمایشگر به شکلی است که برخلاف نمایشگرهای معمول، کاربر می‌تواند به کمک دسته‌ای که برای دستگاه تعبیه شده، زاویه‌ی صفحه‌نمایش را به فراخور نیاز خود تنظیم کند، مثلاً می‌تواند صفحه را روبه‌روی خود قرار دهد تا نیاز نباشد برای دیدن محتوا سر خود را به سمت پایین خم کند.

آنچه در خصوص این دستگاه کاربران را به شگفتی وامی‌دارد، امکانات نرم‌افزاری آن است. کاربران می‌توانند هم با استفاده از فرمان‌های لمسی و هم دکمه‌هایی که در اطراف دستگاه قرار گرفته‌اند از آن استفاده کنند، از جمله یکی از امکانات جالب‌توجه در این دستگاه این است که چون دوربین آن از یک لنز عریض بهره می‌برد، کاربر می‌تواند به راحتی کاغذهای بزرگ‌تر از حد معمول را هم در مقابل دوربین بگذارد تا از آن عکس بگیرد؛ به عنوان مثال به سادگی می‌توان یک صفحه‌ی روزنامه را در مقابل دوربین قرار داد و از تمام محتوا عکس گرفت. عکسی که از نوشته‌ها تهیه می‌شود، این امکان را هم در اختیار کاربر می‌گذارد تا به کمک فناوری اوسی‌آر، محتوا را به متن تبدیل کند و با موتور صوتی کلور بخواند.

وجود دو صفحه‌نمایش به‌طور هم‌زمان به کاربران اجازه می‌دهد بتوانند دو تصویر را در اختیار داشته باشند. موقعیتی را تصور کنید که سر کلاس حضور دارید و



یکی از محدودیت‌هایی که به واسطه‌ی انواع و اقسام گرفتاری‌های سیاسی و اقتصادی برای افراد کم‌بینای ایرانی به وجود آمده آن است که اساساً فناوری‌ها و ابزارهای کمکی که برای استفاده‌ی آنها در دنیا توسعه داده می‌شود، در سبد تجهیزات کمکی خریداری‌شده از سوی نهادهایی نظیر بهزیستی هیچ جایگاهی ندارند. گویی این گروه فراموش‌شدگانی هستند که خود باید به هر نحو ممکن گلیمشان را از آب بکشند و چون اندک بینایی برایشان باقی مانده دیگر نیازی به حمایت ندارند. در دنیا اما ماجرا به کلی با رویه‌ی حاکم در کشور ما تفاوت دارد. هر روز شاهد عرضه‌ی محصولات تازه‌ای هستیم که وجودشان می‌تواند کیفیت زندگی افراد کم‌بینا را به میزان شگفت‌آوری ارتقا بخشد.

«سم سیوی»، یار آشنای پیشخوان که خود کم‌بیناست، گاهی سراغ معرفی محصولات ویژه‌ی افراد کم‌بینا می‌رود. او این بار در یکی از ویدئوهای اخیرش یک درشت‌نمای فوق حرفه‌ای را معرفی کرده است. «کلور بوک پرو اکس‌ال»^۱ نام این درشت‌نما است و ما بد ندیدیم در این شماره از پیشخوان مخاطبانمان را با آن آشنا کنیم.

¹ Clover book pro XL

نوشته پگی این‌طور آغاز می‌شود که در ۱۹۳۵، روزی یکی از برنامه‌های محبوب رادیویی در آمریکا از یک مهمان ویژه دعوت کرد؛ یک نوازنده پیانو، اما شاید بگویید نوازندگی پیانو که اتفاق خارق‌العاده‌ای نیست. عجیب بودن این دعوت آنجایی معلوم می‌شود که بدانیم این نوازنده، یک زن ناشنوا نابینا است.

«هلن می‌مارتین»^۱ متولد ۱۸۹۳ است. او از بدو تولد از قدرت بینایی و شنوایی محروم بوده است. پدرش فروشنده دوره‌گرد و مادرش معلم پیانو و خیاط بود. زمانی که پسرعموهای هم‌سن و سال هلن برای مدتی در خانه آنها زندگی می‌کردند، مادر هلن تصمیم گرفت به آنها پیانو آموزش بدهد. هلن در طول کلاس‌های آنها در کنار پیانو می‌ایستاد و دستش را روی دیواره آن می‌گذاشت و با اشتیاق از ارتعاش نت‌ها لذت می‌برد. مادر که اشتیاق او را دید، به فکر افتاد تا با استفاده از ابزارهای دم‌دستی به او هم پیانو بیاموزد، مثلاً از لوبیا برای فهماندن معنای ریتم به این دختر ناشنوانابینا استفاده کرد. چهار لوبیا واحد زمانی نت گرد را نشان می‌داد و دو لوبیا هم نت سفید و یک لوبیا هم نت سیاه را به هلن نمایش می‌دادند؛ به این ترتیب هلن توانست پیانو را فرا بگیرد.

قصه دوران آموزشی هلن هم خود ماجرای طول و دراز دارد. در آن روزگار کمتر مدرسه‌ای حاضر بود دانش‌آموزان ناشنوا را بپذیرد. این بود که مادر در آموزش او پررنگ‌ترین نقش را ایفا کرد. او به کمک مادر توانست به چنان جایگاهی دست پیدا کند که تا سال‌ها سوژه معتبرترین نشریات آمریکایی و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی باشد.

با نسخه صوتی پیشخوان همراه شوید تا قصه زندگی هلن و بسیاری موضوع‌های جذاب دیگر را با شما به اشتراک بگذاریم. پیشخوان را ذیل همین نوشته در وبگاه نسل‌مانا و همین‌طور کانال‌ها و صفحات ما در شبکه‌های اجتماعی بشنوید.

می‌خواهید هم‌زمان آنچه را معلم روی تخته می‌نویسد بخوانید و هم چیزی بنویسید. می‌توانید دستگاه را به‌گونه‌ای تنظیم کنید که نمایشگر بالا، تصویر معلم و تخته را برایتان به نمایش بگذارد و در نمایشگر پایین هم کارهای مربوط به نوشتن را انجام دهید. همچنین دسته کلور به شما امکان می‌دهد دوربین را به سمت خودتان بچرخانید تا از حالت آینه‌ای کلور هم استفاده کنید و چهره خود را در درشت‌نما ببینید؛ قابلیت که می‌تواند بسته به نیاز، به حال کاربران کم‌بینا مفید باشد، مثلاً برخی از کاربران گفته‌اند از این قابلیت برای مدیریت امور آرایشی و بهداشتی خود استفاده کرده‌اند.

قابلیت‌های کلور بسیار بیش از اینها است و مجال کوتاه ما در این نوشته امکان بازگویی همه ماجرا را به ما نمی‌دهد، پس به رسم همیشه، بازگویی جزئیات بیشتر و مشخصات ظاهری و فیزیکی دستگاه و قیمت آن را به نسخه صوتی پیشخوان وامی‌نهیم.

چه کسی باور می‌کند



«پگی چانگ» کسی است که سال‌ها وقت خود را برای ثبت و ضبط تاریخ نابینایان آمریکا گذاشته است. او در مطلبی، در آخرین شماره از ماه‌نامه «بریل مانیتور» یکی از چهره‌های تأثیرگذار در میان نابینایان آمریکایی را معرفی کرده است.

¹ Helen May Martin

نسل‌مانا

با بها دادن بیش از حد به قضاوت‌ها و نظرات دیگران و...! جای این زخم‌ها و کوفتگی‌ها بیشتر می‌ماند و بیشتر آزارمان می‌دهد.

برای همه ما پیش آمده وقتی به دلیل آسیب بینایی از کاری یا تفریحی محروم می‌مانیم، انگار روانمان زخم می‌شود، مثلاً کسی که عاشق رانندگی کردن است، اما می‌داند که برای حفظ ایمنی خودش و دیگران هیچ‌وقت و دقیقاً هیچ‌وقت نباید و نمی‌تواند فرمان هیچ اتومبیلی را در دست بگیرد یا فرد کم‌بینایی که برای معاینه پیش چشم‌پزشکش رفته و چشم‌پزشک پس از معاینه می‌گوید بینایی او نسبت به جلسه قبل کاهش یافته است یا دانشجویی که به دلیل داشتن آسیب بینایی از بازی‌های گروهی با دوستان و هم‌کلاسی‌هایش بازمی‌ماند؛ همه اینها زخمی بر سینه دارند که جایش تا همیشه می‌ماند، اما کسی کبودی‌هاشان را نمی‌بیند.

حالا چه کنیم؟ راه‌حل چیست؟ بنشینیم و غصه بخوریم؟ تا همیشه سوگوار کم‌بینایی و نابینایی باشیم یا راه دیگری هم هست؟ درست در این زمان‌های هجوم باید به داد خودمان برسیم. در این لحظات به تغییر افکار و پیدا کردن زیبایی‌های زندگی نیازمندیم. مثبت‌اندیشی و سپاس‌گزاری بابت زیبایی‌های کوچک زندگی، مدیریت این لحظات بحرانی را ساده‌تر می‌کند. احتمالاً بیشتر شما که این یادداشت را می‌خوانید، آگاهانه یا ناخودآگاه، در مواجهه با موقعیت‌های دشوار از مثبت‌اندیشی سود برده‌اید؛ چراکه اگر چنین نباشد، ممکن است برخی از این موقعیت‌های دشوار ما را به فروپاشی بکشاند، اما خوب است بر افکارمان مسلط باشیم و اجازه ندهیم غم یا ترس نداشتن‌ها یا از دست دادن‌های احتمالی بر ما چیره شود.

در اینجا راه‌کارهای منسجمی برای ساختن دیدگاه مثبت و بهره‌گیری از مثبت‌اندیشی به‌منظور مدیریت بحران و رشد شخصیت پیشنهاد می‌شود. سه راه برای

مثبت‌اندیشی شاهراه گذار از ناکامی‌ها زهرا همت: روان‌شناس و آموزگار آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران



به دست‌های نگاه کن! پاهایت را ببین! احتمالاً هر بار که سری به بدنمان بزنی و نگاهی بیندازیم، متوجه کبودی‌هایی می‌شویم؛ کبودی‌هایی که نمی‌دانیم چه زمانی و کجا و بر اثر برخورد با چه چیزی ایجاد شده‌اند! هر روز که برای انجام کارهای روزمره از خانه بیرون می‌رویم یا اصلاً وقتی مشغول انجام کارهای خانه هستیم، دست و پایمان یا شاید حتی صورتمان به چیزی یا مانعی می‌خورد و جایش کبود می‌شود. گاهی درد احساس می‌کنیم و گاهی هم نه، اما نکته جالب اینجاست که در بیشتر مواقع، حتی اگر درد را هم حس کنیم، احتمالاً این کبودی‌ها یا شاید زخم‌ها را نادیده می‌گیریم و در نهایت داستان با گفتن یک «آخ» تمام می‌شود و شاید وقتی بعداً این کبودی‌ها را می‌بینیم یا کسی در مورد آنها از ما می‌پرسد، اصلاً به یاد نمی‌آوریم که این کبودی از کجا آمده بود، اما وقتی دست روی آن می‌گذاریم درد را به یاد می‌آوریم.

فقط جسم ما نیست که زخم می‌شود، روان ما نیز می‌تواند زخم شود، کبود شود و... شگفت‌آور است که گاهی خودمان به خودمان زخم می‌زنیم؛ با افکار منفی،

قدرشناسی بیش از همه به خود شما احساس بهتری هدیه می‌کند.

۳. به سیم آخر بزنیید و ناکامی‌ها را برای خودتان طور دیگری تفسیر کنید. تلاش کنید به مسائل نگاه متفاوتی داشته باشید. وقتی عدم توانایی در رانندگی کردن، تمام ذهنتان را پر می‌کند، به دشواری‌های رانندگی در شهرهای شلوغ یا به هزینه‌های جاری و نگهداری خودرو فکر کنید. کنترل افکارتان را در دست داشته باشید و ذهنتان را مدیریت کنید و تلاش کنید تفکرتان را به جهت مثبت سوق دهید.

هر انسانی در زندگی با دشواری‌های بسیاری مواجه است و ممکن است خسته، ناامید یا افسرده شود، ولی بهتر آن است که با ایجاد نگرش مثبت و تلاش برای پیدا کردن زیبایی‌ها و نقاط اتصال به زندگی بر این ناکامی‌ها غلبه کنیم و از زندگی لذت ببریم.

چون نیست ز هرچه هست جز باد به دست

چون هست به هرچه هست نقصان و شکست

انگار که هرچه هست در عالم نیست

پندار که هرچه نیست در عالم هست



سپاس‌گزاری بابت زیبایی‌ها و زندگی قدرشناسانه که موجب می‌شود بهتر بتوانیم چالش‌ها را مدیریت کنیم.

۱. فهرست سپاس‌گزاری روزانه تهیه کنید و حداقل سه مورد از چیزهایی را که خوشحالتان کرده است و بابت آن شکرگزار هستید یادداشت کنید. ممکن است چیزهای ساده‌ای باشد که از نگاه شما پنهان بماند، اما با اندکی توجه، پیدایشان کنید، مثلاً یک دوست خوب، لبخند پرمهر مادر، رختخواب گرم، نوشیدنی دل‌چسب، نوای شگفت‌انگیز نوازنده دوره‌گرد، سلام پر از انرژی یک همکار در ابتدای روز... و اینها تنها چند نمونه از هزاران موردی هستند که هر یک از ما با اندکی تفکر می‌یابیم. خوب است پیش از یادداشت این موارد، کمی تمرکز کنید و به آرامش برسید؛ شمعی روشن کنید و موسیقی مورد علاقه‌تان را بگذارید. انجام کارهایی از این دست، کمک می‌کند بهتر بتوانید زیبایی‌ها را احساس کنید. حالا لحظه‌ای درنگ کنید و عمیق شکرگزاری کنید. دقیق احساس کنید که وجود دوست صمیمی‌تان چه خوبی‌ها و زیبایی‌هایی در زندگی شما به همراه دارد. احساس آرامش، امنیت، صمیمیت، تعلق داشتن... هر روز زیبایی‌تر می‌شوید و تهیه این فهرست برایتان ساده‌تر و ساده‌تر می‌شود.

۲. قدرشناسی‌تان را ابراز کنید. اندکی برای قدرشناسی و تشکر از دیگران وقت بگذارید. قدردانی از دیگران بابت کارهایی که برایمان انجام می‌دهند کار سختی نیست؛ نه وقت می‌گیرد و نه هزینه‌بر است، اما این ابراز احساس قدردانی، علاوه بر اینکه حس خوبی را به دیگران منتقل می‌کند و انرژی مضاعفی برای خوب بودن و خوبی کردن به آنها می‌دهد؛ در خود شما هم حس بهتری ایجاد می‌کند؛ بنابراین خوب است تشکر کردن را تمرین کنید؛ برای مثال هنگامی که دوستی شما را به یک پیاده‌روی دعوت می‌کند یا یک فنجان چای برایتان می‌ریزد، از او تشکر کنید یا وقتی فردی در فروشگاه یا در خیابان به شما کمک می‌کند یا لبخند و خوش‌رویی قدرشناسی‌تان را ابراز کنید. اطمینان داشته باشید این

تعامل در بانک

فاطمه جوادیان: کارشناس نابینایان آموزش و پرورش استثنایی گیلان



ببینم رمپ این بانک چطور ساخته شده است. کمی که به جلو می‌روم، راه شیب‌دار صاف می‌شود. عصایم در سمت راست و مستقیم نرده و در سمت چپ شیب دیگری را لمس می‌کند. حالا شیب عمود شده است به خیابان و بانک. رو به بانک هستم. به یاد دارم که برای گذر از پله‌ها به سمت چپ رفتیم. پس به سمت راست حرکت می‌کنم؛ نزدیک به دیواره بانک. در هوشمند که مرا نزدیک خود می‌بیند باز می‌شود. نفس راحتی می‌کشم و وارد بانک می‌شوم.

شلوغ نیست. چند قدم جلو می‌روم و منتظر می‌مانم. کسی می‌پرسد: «با کدام قسمت کار دارید؟» می‌گویم که یک شماره می‌خواهم. از دستگاه نوبت‌دهی شماره می‌گیرم و به من می‌دهد. تشکر می‌کنم. از او می‌خواهم شماره روی کاغذ را بخواند. می‌گوید: «۲۲» از او می‌خواهم بگوید آخرین شماره‌ای که خوانده شده کدام است. تابلو را نگاه می‌کند و می‌گوید: «شماره ۲۰» از او می‌خواهم یک صندلی نشانم بدهد. می‌گوید: «به سمت راست مستقیم حرکت کنید!» کمی پیش می‌روم. بی‌آنکه عصایم را از زمین بلند کند، به آرامی عصا را به سمت راست می‌برد. عصا سطح نرمی را در نیمه پایینی بدنه حس می‌کند. می‌گوید: «صندلی است. بفرمایید بنشینید!» شماره ۲۱ خوانده می‌شود. کمی بعد هم صدا را می‌شنوم: «شماره ۲۲ به باجه ۱».

می‌دانم که در بیشتر موارد جایگاه رئیس بانک در ابتدای ورودی بانک است و فکر می‌کنم باجه ۱ هم باید جایی در همان نزدیکی باشد. باید کمی از راهی را که آمده‌ام برگردم. سپس تغییر جهت بدهم. به آرامی به سمت میز رئیس حرکت می‌کنم. کسی ببخشید آرامی می‌گوید و عصایم را بی‌آنکه از زمین بلند کند در مسیر درست قرار می‌دهد. می‌گوید: «مستقیم...حالا بفرمایید، صندلی همین جاست.» می‌نشینم و سلام می‌کنم.

خانمی با خوش‌رویی در آن سوی باجه پاسخ می‌دهد.

در ماشین را باز و با عصا زمین را بررسی می‌کنم، امن است. پیاده می‌شوم. می‌دانم که اگر چند قدم جلوتر بروم، به جدول و چند قدم جلوتر به پله‌های بانک می‌رسم. در شهر رشت به‌طور معمول سطح پیاده‌رو از خیابان و کف ساختمان‌ها از پیاده‌رو بالاتر است تا در روزهای پرباران، آب باران وارد ساختمان‌ها نشود.

در ماشین را می‌بندم. از جدول بالا می‌روم. هنوز به پله نرسیده‌ام که راننده می‌آید و مرا به سمت چپ راهنمایی می‌کند. از او می‌پرسم: «اینجا مگر پله نیست؟» می‌گوید: «بله! پله هست. بفرمایید این طرف.» فکر می‌کنم شاید اشتباهی رخ داده است. کمی به سمت چپ می‌رویم. عصا را به نرده‌ای می‌زند و می‌گوید: «حالا برو!» و غیب می‌شود. نرده را لمس می‌کنم. جهت نرده موازی با پیاده‌رو است نه عمود بر پیاده‌رو. کمی گیج شده‌ام. عصایم شیب رمپ را حس می‌کند. متوجه می‌شوم که او مرا ابتدای رمپ یا همان راه شیب‌دار گذاشته است تا راحت باشم؛ بی‌آنکه از خودم بپرسد با کدام مسیر راحت‌تر هستم، البته وقتی در ماشین بودم به او اعلام کرده بودم که جلوی در بانک که چند پله دارد، ماشین را نگه دارد. فکر کردم برگردم و پله‌ها را پیدا کنم. پله‌ها مستقیم مرا به در هوشمند می‌رساند. از طرفی فکر کردم به‌هرحال این هم یک چالش است. بد نیست

از من می‌پرسد که آیا کسی در ماشین منتظر من است یا نه. پاسخ می‌دهم که کسی منتظر من نیست و باید اسنپ بگیرم. می‌خواهم به سمت صندلی‌های انتظار بروم تا در آنجا این کار را انجام دهم. می‌گویند: «می‌توانید همین‌جا بمانید و ماشین بگیرید.» دلیل بی‌قراری‌ام را متوجه می‌شود. می‌گویند: «مشتری در بانک منتظر نیست. نگران نباشید!» خیالم راحت می‌شود. با خودم فکر می‌کنم کاش یکی از کتاب‌های کنار سفر را به همراه داشتم تا به یادگار به ایشان بدهم. فقط برجسب کیو آر کد فایل صوتی را همراه دارم. دلم می‌خواهد احساس خوبی را که در من ایجاد کرده است، به او ابراز کنم. یکی از برجسب‌ها را به او می‌دهم و آرزو می‌کنم از شنیدن فایل صوتی کتاب لذت ببرد. او مرا تا پایین پله‌ها راهنمایی می‌کند. می‌خواهد کنار من منتظر ماشین بماند که به درخواست من سرکاش برمی‌گردد.

همیشه در بانک‌ها چنین اتفاق‌های خوشایندی برای ما رخ نمی‌دهد. از وقتی که در این بانک شماره می‌گیرم و در نوبت خودم به باجهٔ مربوط می‌روم، شرایط بهتری را تجربه می‌کنم.

اگر همهٔ ما چه افراد دارای معلولیت چه سایر افراد جامعه پایبند به رعایت حقوق شهروندی یکدیگر و همچنین انجام رفتار صحیح اجتماعی نسبت به هم باشیم، دنیا جای بهتری می‌شود برای زندگی.

روزهایتان پر از شوق زندگی!



همان ابتدا به او می‌گویم که برای انجام سه کار به بانک آمده‌ام؛ زمان استفاده از کارت بانکی‌ام تمام شده و باید کارت جدید بگیرم، یکی از حساب‌هایم را ببندم و حساب دیگری باز کنم.

با احترام از من می‌خواهد کارت ملی‌ام را به او نشان بدهم. شرمنده می‌شوم. کارت را به همراه ندارم، اما عکس پشت و روی کارت را به نام، در موبایلم ذخیره کرده‌ام. پیدا کردنش برایم آسان است. می‌گویند که مشکلی نیست همان را نشان بدهم. موبایل را می‌گیرد، کارت را می‌خواند و موبایل را پس می‌دهد.

در مورد امضا کردنم می‌پرسد. به او می‌گویم که از مهر استفاده می‌کنم. مهر، کارت بانکی و کارت سپرده را از من می‌خواهد. هر سه را می‌گذارم روی میز. بین ما حفاظتی وجود دارد و فضای کوچکی که می‌شود مدارک را در آن فضا تحویل داد. دستم را پیش می‌برم و آن فضا را پیدا می‌کنم، البته خیلی هم سخت نیست، چون صدای خانم هم از همان‌جا به من می‌رسد. موارد را یکی‌یکی تحویل می‌دهم. عددها را با دقت می‌خواند، راه‌های ممکن را توضیح می‌دهد، هر جا لازم است تأیید مرا می‌گیرد و برگه‌ها را پر می‌کند. من هم با خواندن پیام‌های بانک روند کار را دنبال می‌کنم. مهر کردن برگه‌ها که تمام می‌شود، نوبت می‌رسد به ثبت اثر انگشت. دستم را در اختیارش می‌گذارم. بامهارت انگشتم را در استامپ و سپس روی برگه‌ها می‌زند. برگه‌ها که تمام می‌شود از من می‌خواهد کمی صبر کنم. دستمالی می‌آورد می‌گذارد زیر انگشتم. الکل را روی سطح جوهری انگشتم اسپری می‌کند و با مهربانی دستم را پاک می‌کند. احساس شرمندگی دارم، اما اجازه می‌دهم این کار را انجام دهد، چون او قادر است کم‌رنگ شدن جوهر روی انگشتم را ببیند. از او درخواست می‌کنم اطلاعات کارت جدید را برایم بخواند تا صدایش را در موبایل ضبط کنم. این کار را هم با دقت انجام می‌دهد.

تلویزیون‌ها با کیفیت تصویری بهتری ارائه شدند و بازی‌ها هم از نظر گرافیکی پیشرفت کردند و دیدنشان برای افراد کم‌بینا دشوارتر شد.

خوشبختانه در چند سال اخیر توجه به دسترس‌پذیری افزایش پیدا کرده است و برخی از تولیدکنندگان کنسول‌های بازی و استودیوهای تولیدکننده بازی‌های رایانه‌ای عمومی امکانات دسترس‌پذیری را برای انواع معلولیت‌ها، از جمله نابینایی و کم‌بینایی در محصولات خود ارائه می‌کنند، مثلاً در زمینه دسترس‌پذیری در کنسول‌های بازی، شرکت مایکروسافت عملکرد خوبی داشته و از مدل وان به بعد کنسول بازی این شرکت، یعنی اکس باکس برنامه‌آشنای نریتور را به این کنسول محبوب اضافه کرده است. افراد نابینا و کم‌بینا با استفاده از نریتور می‌توانند از فروشگاه بازی‌های مایکروسافت استفاده کنند، بازی‌های نصب‌شده را باز کنند و امکانات اجتماعی و سایر ویژگی‌های این کنسول را به کار بگیرند. شرکت سونی هم امکان صفحه‌خوان را به نسخه ۴ کنسول بازی خود، یعنی پلی‌استیشن اضافه کرد که البته کامل نبود. در این نسخه از کنسول افراد نابینا فقط می‌توانستند از منوی اصلی کنسول استفاده کنند و وقتی وارد زیرمنوها می‌شدند صفحه‌خوان دیگر عمل نمی‌کرد، اما خوشبختانه در نسخه ۵ پلی‌استیشن این مشکل رفع شده است و در حال حاضر این کنسول هم دسترس‌پذیری مناسبی دارد، البته کنسول پلی‌استیشن هنوز تصاویر بدون برچسب بسیاری دارد که برای کاربران نابینا مشکل‌آفرین است. از سوی دیگر اخیراً هم شرکت‌های بزرگ هم توسعه‌دهندگان مستقل در حال ارائه بازی‌هایی بر روی این کنسول‌اند که بدون نیاز به هیچ‌گونه افزونه و امثال آن برای کاربران نابینا و کم‌بینا دسترس‌پذیرند.

در زمینه دسترس‌پذیری در بازی‌ها می‌توانیم نسخه ۲ بازی «آخرین بازمانده از ما» را مثال بزنیم. نسخه ۱ این بازی گسترده و پیچیده با محیط سه‌بعدی را یک استودیوی بازی‌سازی بزرگ و مهم به نام «ناتی داگ»

نگاهی به وضعیت دسترس‌پذیری در کنسول‌های بازی و بازی‌های ویدئویی برای نابینایان و کم‌بینایان گردآوری و ترجمه: میثم امینی



افزایش آگاهی و توجه به دسترس‌پذیری محصولات برای افراد دارای معلولیت‌های مختلف، از جمله معلولیت‌های بینایی، یکی از اتفاقات خوبی است که در سال‌های اخیر در جهان رخ داده است.

بازی‌های ویدئویی یا همان بازی‌های رایانه‌ای هم از این قافله عقب نمانده‌اند و در چند سال اخیر شاهد تغییرات هیجان‌انگیزی در این زمینه بوده‌ایم؛ به‌گونه‌ای که این روزها یک نابینای مطلق می‌تواند یک کنسول پلی‌استیشن یا اکس باکس داشته باشد؛ چیزی که تا چند سال پیش شاید عجیب به نظر می‌رسید.

در این شماره از نسل مانا در این ستون نگاهی داریم به وضعیت کنونی دسترس‌پذیری در بازی‌های ویدئویی و کنسول‌های بازی برای نابینایان و کم‌بینایان.

در گذشته تلویزیون‌ها کیفیت تصویر پایینی داشتند و گرافیک‌ها در بازی‌های رایانه‌ای بی‌کیفیت، بسیار رنگارنگ و با تضاد رنگ بسیار بالا بودند؛ بنابراین بسیاری از افراد کم‌بینا می‌توانستند با وجود نبود امکانات دسترس‌پذیری مناسب از بازی‌های رایانه‌ای استفاده کنند، اما با گذشت زمان این وضعیت تغییر کرد؛

استودیوی بازی‌سازی یوبی‌سافت هم چند سال است که در حال تلاش برای ارائه امکانات دسترس‌پذیری مثل منوهای گویا و... در بازی‌های خود است. بازی‌های این استودیو معمولاً برای سیستم‌های مختلفی شامل پلی‌استیشن، اکس‌باکس، رایانه و... ارائه می‌شود؛ بنابراین توجه بیشتر این استودیو به دسترس‌پذیری خبر خوبی برای دوستداران نابینا و کم‌بینای بازی‌های ویدئویی است.

توسعه‌دهندگان بازی مستقل هم در زمینه ارائه امکانات دسترس‌پذیری برای نابینایان و کم‌بینایان کارهای قابل توجهی را انجام داده‌اند؛ در واقع می‌توان گفت که توسعه‌دهندگان مستقل قبل از استودیوهای بزرگ بازی‌سازی شروع به دسترس‌پذیر کردن بازی‌های خود کردند، مثلاً بازی «کارآگاه بروک» که برای انواع سیستم‌ها شامل پلی‌استیشن، اکس‌باکس و رایانه موجود است، امکانات دسترس‌پذیری مناسب برای بازیکنان نابینا و کم‌بینا دارد.

علاوه بر ارائه دسترس‌پذیری در بازی‌ها در هنگام تولید، بعضی توسعه‌دهندگان هم بازی‌هایی را که قبلاً بدون امکانات دسترس‌پذیری تولید شده‌اند تغییر می‌دهند یا به اصطلاح برای آنها «مُود» یا «ماد» می‌سازند که باعث دسترس‌پذیر شدن این بازی‌ها می‌شود، مثلاً برای بازی «هارت‌استون» از استودیوی بلیزارد که یک بازی ورق مبارزه‌ای است مادی وجود دارد که آن را برای بازیکنان نابینا و کم‌بینا دسترس‌پذیر می‌کند و به آنها اجازه می‌دهد به راحتی از این بازی لذت ببرند. همچنین یک ماده بازی «دره استاردو» را که یک شبیه‌سازی مزرعه‌داری و یک بازی اجتماعی است برای بازیکنان نابینا و کم‌بینا دسترس‌پذیر می‌کند؛ علاوه بر این برای نسخه اصلی بازی «تیراندازی اول شخص دوم» نیز که در سال ۱۹۹۳ منتشر شد، مادی ارائه شده است که این بازی قدیمی محبوب را برای نابینایان و کم‌بینایان دسترس‌پذیر می‌کند.

در سال ۲۰۱۳ ارائه داد. این نسخه هیچ امکانات دسترس‌پذیری برای نابینایان و حتی کم‌بینایان نداشت، اما در سال ۲۰۲۰ نسخه دوم این بازی با بیش از شصت ویژگی دسترس‌پذیری برای افراد معلول، از جمله نابینایان و کم‌بینایان برای کنسول پلی‌استیشن ۴ و ۵ ارائه شد.

منوهای این بازی این قابلیت را دارند که با صفحه‌خوان کنسول خوانده شوند تا افراد نابینا بتوانند از آن استفاده کنند. همچنین ویژگی کمک در پیمایش به کاربران نابینا و کم‌بینا اجازه می‌دهد از اینکه دقیقاً دارند به کجا می‌روند اطلاع داشته باشند، به سمت هدف خود حرکت کنند، محیط اطراف را برای موارد قابل برداشت مثل اسلحه یا مهمات جستجو کنند و در کل نیازهای پیمایشی خود را رفع کنند؛ علاوه بر اینها امکان تضاد رنگ بالا با قابلیت فعال و غیرفعال کردن فوری به کاربران کم‌بینا این امکان را می‌دهد تا با سریع کشیدن یک انگشت خود به چپ بر روی تاج‌چید دسته پلی‌استیشن خود این امکان را فعال کنند. با فعال شدن این امکان شخصیت بازیکن به رنگ آبی، دشمنان به رنگ قرمز، موارد قابل تعامل به رنگ زرد و بقیه موارد کم‌رنگ و خاکستری می‌شوند تا این کاربران بتوانند بهتر بازی را انجام دهند. بازی بزرگ دیگری که با امکانات دسترس‌پذیری مناسبی برای کاربران نابینا و کم‌بینا این بار روی اکس‌باکس مایکروسافت ارائه شده، بازی شبیه‌سازی مسابقات اتومبیل‌رانی «فورتزا مورتوراسپورت» است که سال پیش منتشر شد. در این بازی امکانات کمکی مختلفی برای هدایت خودرو، توقف آن و... همچنین راهنمای گفتاری، صوتی و لرزشی تعبیه شده است که حتی به یک کاربر کاملاً نابینا اجازه می‌دهد کنترل کاملی روی خودرو داشته باشد.

«مورتال کامبت ۱» هم یکی از بازی‌های محبوبی است که با دسترس‌پذیری مناسبی شامل منوهای گویا و حالت آموزش سال پیش ارائه شد.

نگاهی گذرا به عملکرد دستگاه‌های متولی در اجرای این قانون، تصویری تأسف بار و ناامیدکننده را به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد این قانون به‌جای هموار کردن مسیر، گاه از مسیر اصلی منحرف شده و به‌جای بهبود شرایط معلولان، به اجرای سلیقه‌ای آن برای معدودی از معلولان محدود شده تا علاوه بر اجرای ظاهری، هم در واقعیت اجرا نشود هم هزینه‌ای برای نهادهای مسئول نداشته باشد و هم اثبات عدم اجرای آن ناممکن باشد.

عملکرد غیر قابل قبول

بند مربوط به «استانداردسازی و بین‌المللی کردن تشخیص نوع و شدت معلولیت» در قانون معلولان جز سردرگمی برای جامعه هدف و کارشناسان کمیسیون‌ها دستاوردی نداشته یا در زمینه «شبکه‌های ملی معلولان» به‌جز تشکیل سه شبکه فرمایشی و تحت امر بهزیستی، اقدام مؤثر دیگری صورت نگرفته که این شبکه‌ها هم عملکرد قابل قبولی ندارند.

باوجود تشکیل جلسه‌های ستاد مناسب‌سازی، در عمل هیچ تغییر محسوسی در وضعیت «مناسب‌سازی و دسترس‌پذیری اماکن عمومی و معابر» مشاهده نمی‌شود و اجرای تبصره مربوط به «ایاب و ذهاب رایگان و نیم‌بها» بعد از گذشت پنج سال و اختصاص اعتبار برای این امر، همچنان در حد حرف و حدیث باقی مانده است.

پرداخت حق پرستاری با تبعیض

«حق پرستاری معلولان شدید و خیلی شدید» که حق قانونی آنهاست به‌صورت مُسکن موقت و تنها برای معدودی از جامعه هدف پرداخت می‌شود و هزاران فرد مشمول این قانون باوجود شدیدترین معلولیت‌ها و نداشتن هیچ‌گونه منبع درآمدی از آن محروم مانده‌اند.

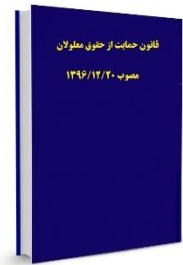
همچنین مبلغ حق پرستاری برای معلولانی که در مراکز شبانه‌روزی مستقر هستند با معلولانی که در منزل نگهداری می‌شوند، متفاوت است و این یعنی دولت هزینه نگهداری از معلولان را به گردن خانواده‌ها انداخته است.

قانون کاغذی: «قانون معلولان» شش سال پس

از تصویب همچنان منزوی است

رؤیا بابایی: خبرنگار حوزه معلولان

قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت در اسفند سال ۱۳۹۶ به تصویب مجلس رسید و در اردیبهشت سال ۱۳۹۷ توسط رئیس‌جمهور وقت برای اجرا به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد. از آن زمان شش سال گذشته و



این قانون که با هدف ارتقای سطح زندگی و تسهیل حضور معلولان در جامعه تصویب شده بود، هنوز کمترین تأثیری در زندگی معلولان نداشته و نگذاشته است؛ درواقع این قانون در حالی شش‌ساله شده که نه‌تنها مجالی برای اثرگذاری در زندگی معلولان نیافته، بلکه با برداشتها و تفسیرهای سلیقه‌ای مسئولان دچار عقب‌گرد هم شده است؛ بنابراین می‌توان گفت این قانون تنها برای حفظ ظاهر تصویب شده تا برخی مسئولان در پاسخ به بی‌توجهی به معلولان حرفی برای گفتن و ماکتی از یک قانون توخالی برای ارائه داشته باشند؛ وگرنه آنچه از «قانون حمایت از معلولان» به جا مانده، تنها ملعبه‌ای است برای ژست‌های سیاسی و شاید بین‌المللی و در داخل کشور خریداری ندارد.

بی‌دست‌آورد و پرحاشیه

شش سال از تصویب قانون حمایت از حقوق معلولان می‌گذرد. قانونی که با هدف ارتقای سطح زندگی و تسهیل حضور معلولان در جامعه به تصویب رسیده بود، حالا در حالی شش سال از تصویب خود را پشت سر می‌گذارد که نه‌تنها دستاوردی برای معلولان نداشته است، بلکه معلولان برای اجرای آن مجبور به برگزاری ده‌ها تجمع اعتراضی شده‌اند.

دستاوردی رسانه‌ای نشده و «حضور رئیس بهزیستی در شورای عالی اشتغال» هم جز حضوری زینتی و اعلام افتخار شرکت او در این جلسه‌ها، عایدی برای معلولان نداشته است.

مسکن، وعده دیروز و امروز

در مورد اختصاص ۱۰ درصد مسکن‌های ارزان قیمت، جز خبر عقد تفاهم‌نامه‌های رنگارنگ، هنوز خبری از این ۱۰ درصد نشده و از فرصت قانونی «پخش آگهی‌های تبلیغاتی معلولان در سینماها»، حتی در جشنواره فیلم فجر نیز استفاده‌ای نشده است.

باوجود تأکید قانون بر اجرای پنج ساعت برنامه تخصصی در صدا و سیما برای معلولان، این نهاد، به‌ویژه در استان‌ها از اجرای درست این وظیفه قانونی سر باز می‌زند و از توصیف شنیداری فیلم‌ها برای نابینایان نیز خبری نیست.

انحراف‌های سلیقه‌ای

کار «کمک‌هزینه معیشت» به معلولان به پرداخت مبلغی ناچیز به معدودی از جامعه هدف و نداشتن برنامه مدون برای اجرایی شدن آن کشیده و سازمان بهزیستی را به بهانه بهینه‌سازی پرداخت به سمت تدوین آیین‌نامه و محدود کردن جامعه هدف سوق داده است.

دولت فراری از اجرای ماده ۲۷

ماده ۲۷ قانون حمایت از معلولان تکلیف کرده است باید حداقل دستمزد سالانه به معلولان شدید و خیلی شدید بدون شغل پرداخت شود، اما باوجود تورم و فشارهای شدید اقتصادی، دولت همچنان حاضر به اجرای این قانون نیست.

فرار از شفافیت

علی‌رغم پیگیری‌های خود معلولان، سازمان برنامه و بودجه و بهزیستی اراده‌ای برای ایجاد «ردیف اعتباری ویژه قانون معلولان» ندارند؛ به این دلیل که این اتفاق، هم میزان اعتبارات تخصیصی و هم محل هزینه کرد آن را شفاف خواهد کرد.

بی‌عدالتی در پرداخت شهریه دانشگاه

تنها شهریه دانشجویان دانشگاه آزاد در دهک‌های درآمدی یک تا شش پرداخت می‌شود، درحالی‌که در دهک‌بندی معلولان اجحاف بزرگی صورت گرفته است و معلولان با هدف ارائه خدمات کمتر تا جای ممکن در دهک‌های بالا جای داده شده‌اند و این عادلانه نیست.

بیمه در بن بست

هرچند قسمت اعظم اعتبارات بهزیستی به مراکز نگهداری از معلولان اختصاص دارد، اما این موضوع رضایت خود مراکز و خانواده‌ها را جلب نکرده است و اگرچه «بیمه خدمات توان‌بخشی» بعد از چند سال، به‌ظاهر ۵۹ خدمت توان‌بخشی را تحت پوشش قرار داده، اما عدم تمایل بخش غیردولتی به عقد قرارداد با بیمه سلامت به دلیل بدقولی‌های این بیمه و کسورات و... در عمل امکان استفاده از این خدمات را برای معلولان ناممکن کرده است.

صندوق بی‌شغلی

«استفاده از امکانات ورزشی رایگان» نیز با واگذاری مراکز دولتی به بخش غیردولتی و مقاومت دستگاه‌ها در برابر حضور معلولان، در عمل اجرا نشده، «صندوق فرصت‌های شغلی» هنوز شروع به کار نکرده و لازم است کمیسیون اصل ۹۰ و دیوان محاسبات کشور پیگیر دلایل آن باشند.

سه‌میه‌های کاغذی

سه‌میه استفاده ۳ درصدی معلولان باوجود مقاومت دستگاه‌ها در آزمون معاینات به استخدام معلولان نمی‌انجامد. نهادهای انقلابی و عمومی نیز از اجرای این قانون سر باز می‌زنند و حتی گزارشی از استخدام معلولان در مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه نیز در دسترس نیست.

قادری، زینت‌المجالس

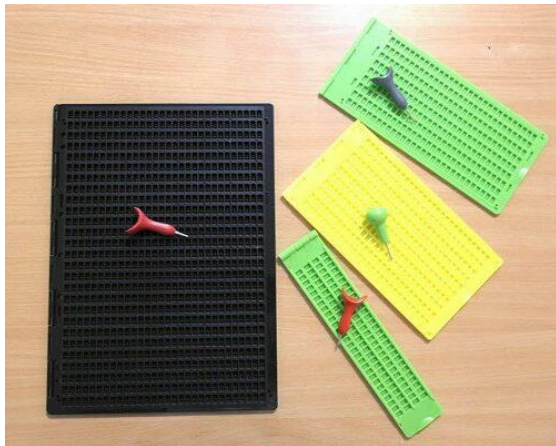
در خصوص «حضور مدیران بهزیستی استان‌ها در شورای برنامه‌ریزی و توسعه» نیز تاکنون هیچ

خط بریل در عصر صفحه‌خوان‌ها:

ضرورتی انکارناپذیر یا مهارتی

منسوخ؟

امین عرب: روان‌شناس و آموزگار
دانش‌آموزان با آسیب بینایی فارس



خط بریل در سال ۱۸۲۴ به دست لوئی بریل، نابینای فرانسوی، اختراع شد و انقلابی در زندگی نابینایان ایجاد کرد. پیش از بریل، این افراد برای خواندن و نوشتن به روش‌های مختلفی مانند خطوط برجسته، حروف چاپی بزرگ یا سیستم‌های شنوایی تکیه می‌کردند، اما هیچ‌کدام از این روش‌ها به اندازه بریل کارآمد و مؤثر نبودند. بریل به سرعت در سراسر جهان به‌عنوان خط رسمی نابینایان شناخته شد و به آنان امکان داد تا در زمینه‌های مختلف تحصیلی و شغلی پیشرفت کنند، اما در اواخر قرن بیستم، با ظهور فناوری‌های جدید، به‌ویژه صفحه‌خوان‌ها، استفاده از بریل رو به کاهش گذاشت. صفحه‌خوان‌ها مزایای بسیاری دارند، از جمله سرعت، قابلیت حمل و دسترسی آسان.

با وجود مزایای صفحه‌خوان‌ها، برخی از افراد معتقدند که بریل هنوز هم ابزاری ضروری برای نابینایان است و نمی‌توان از مزایای منحصر به فرد آن چشم‌پوشی کرد. در این مقاله به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا زمان استفاده از بریل سر آمده و این خط در حال پیوستن به

«کمیته هماهنگی و نظارت بر اجرای قانون» نیز کماکان به جایی نرسیده و باینکه در دولت چهار جلسه برای این بحث تشکیل شده است، اما در هیچ جلسه‌ای عملکرد دستگاه‌ها مورد بررسی قرار نگرفته و گزارش عملکرد دستگاه‌ها طبق روال برای مراجع ذی‌ربط ارسال نشده و گزارشی نیز در این زمینه منتشر نشده است.

روکشی برای دادن ژست‌های حقوق بشری

این‌گونه که از بی‌توجهی دولت به قانون معلولان برمی‌آید، می‌توان نتیجه گرفت این قانون نه تنها اولویت امروز دولت نیست، بلکه در دولت‌های گذشته نیز اولویت نبوده و تصویب آن تنها ملعبه و روکشی است برای گرفتن ژست‌های مدنی و دادن پزهای حقوق بشری.

همچنین وقتی مجلس در اقدامی کاملاً غیرمنطقی به حذف ردیف بودجه تنها قانون کشور در مورد معلولان دست می‌زند، باید گفت احتمالاً نهاد قانون‌گذار کشور هم معلولان را شهروند درجه ۲ و بدون حق می‌داند؛ بنابراین می‌توان گفت معلولان جز خودشان دلسوزی ندارند و حتی سازمان بهزیستی منحرف‌شده از مسیر اصلی و دورشده از ماهیت خود هم نه تنها دغدغه معلولان و اجرای این قانون را ندارد، بلکه تلاش می‌کند تا با کاستن از سر و ته خدمات اندک کنونی، دمی برای مافوقان خود تکان دهد و سری بر آستانشان بساید تا بلکه دست‌مریزادی بگیرد!



- بریل به حفظ و ترویج فرهنگ و هویت نابینایان کمک می‌کند.

منتقدان بریل: چالش‌هایی در عصر دیجیتال

منتقدان استفاده از بریل بر این باورند که این خط در عصر حاضر با محدودیت‌های زیر روبه‌رو است که استفاده از آن را برای افراد نابینا دشوار می‌کند.

۱- حجم و حمل و نقل: نوشته‌های بریل فضای زیادی را اشغال می‌کنند و حمل و نقل کتاب‌ها و اسناد بریل حجیم و سنگین بسیار دشوار است و فضای بسیاری را در قفسه‌ها و کیف‌ها به خود اختصاص می‌دهد.

۲- هزینه: نمایشگرها و یادداشت‌بردارهای بریل ابزارهای نوینی هستند که به افراد نابینا امکان می‌دهند تا به نوشته‌های بریل دسترسی داشته باشند؛ بی‌آنکه مشکلات حجم و سنگینی اسناد آنها را اذیت کند؛ باین‌حال این ابزارها بسیار گران هستند و بسیاری از افراد نابینا توانایی خرید آنها را ندارند.

۳- سرعت: سرعت خواندن بریل در اغلب موارد به سرعت مطالعه با صفحه‌خوان نمی‌رسد. صفحه‌خوان‌ها می‌توانند متن را با سرعت بسیار بالایی بخوانند و به افراد نابینا امکان می‌دهند تا در زمان کوتاهی حجم زیادی از اطلاعات را پردازش کنند.



تاریخ است یا اینکه هنوز هیچ ابزاری نتوانسته جای بریل را بگیرد؟ در ادامه به بررسی دلایل هر دو دیدگاه خواهیم پرداخت.

مدافعان بریل: ضرورتی برای استقلال و

توانمندسازی

مدافعان استفاده از بریل معتقدند که این خط ابزاری ضروری برای استقلال و توانمندسازی افراد نابینا است. آنها به چند دلیل کلیدی برای اثبات مدعای خود اشاره می‌کنند.

۱. تمرکز و درک عمیق‌تر: مطالعات نشان داده‌اند که خواندن و نوشتن بریل به تمرکز بیشتر و پردازش اطلاعات به طور دقیق‌تر منجر می‌شود؛ درواقع بریل با درگیر کردن حس لامسه، تجربه یادگیری را عمیق‌تر و پایدارتر می‌کند.

۲. مزیت شغلی: تسلط بر بریل در برخی مشاغل مانند مترجمی، ویراستاری و موسیقی مزیت بزرگی محسوب می‌شود. در این مشاغل، دقت و سرعت عمل در خواندن و نوشتن بسیار حائز اهمیت است و بریل می‌تواند به افراد نابینا در رقابت با افراد بینا کمک کند. کسی که به بریل مجهز نباشد از عهده برخی از مشاغل برنمی‌آید.

۳. دسترسی در لحظه: بریل به افراد نابینا امکان می‌دهد تا در هر زمان و مکانی به اطلاعات دسترسی داشته باشند و بتوانند آن را برای مخاطبان خود ارائه کنند؛ به‌عنوان مثال در هنگام تدریس یا سخنرانی، بریل امکان دسترسی به مطلب را در لحظه فراهم می‌کند و فرد نابینا می‌تواند درحالی‌که مطالب را برای مخاطبان خود بیان می‌کند، یادداشت‌های بریل را مورد استفاده قرار دهد.

علاوه بر این مدافعان بریل به موارد زیر نیز اشاره می‌کنند.

- بریل حس استقلال و اعتماد به نفس را در افراد نابینا تقویت می‌کند.

- بریل ابزاری برای خلاقیت و خوداظهاری است.

نسل‌مانا

بسیاری از افراد نابینا با ضعف در مهارت املا دست و پنجه نرم می‌کنند. آسیب به مهارت املا به‌عنوان یکی از معیارهای سواد، پیامدهای نامناسبی را در زندگی فرد نابینا در پی دارد.

۲- محدودیت‌های صفحه‌خوان‌ها: در بسیاری از موقعیت‌ها، افراد نابینا ناگزیر به استفاده از بریل هستند؛ به‌عنوان مثال صفحه‌خوان‌ها در هنگام دیدن برچسب‌ها، تابلوهای برجسته یا نقشه‌های ویژه پاسخ‌گوی نیازها نیستند.

۳- نیازهای افراد با معلولیت‌های دوگانه: افرادی که به‌جز نابینایی، دچار آسیب شنوایی نیز هستند، بسته به شدت آسیب نمی‌توانند از صفحه‌خوان‌ها بهره‌ای کافی را ببرند. بریل برای این افراد، راهی مهم‌تر برای دسترسی به اطلاعات و ارتباط با دنیای بیرون است.

آیا بریل رفتنی است؟

برخی معتقدند نفس‌های خط بریل به شماره افتاده است و ما با دنیای بدون بریل فاصله‌ای نداریم، اما گروهی دیگر بر این باورند که هنوز جایگزینی مناسب برای خط بریل به وجود نیامده است و تا آن زمان، تلاش برای احیای بریل کمک بیشتری به جامعه نابینایان می‌کند.

شما چه فکر می‌کنید؟



استفاده از صفحه‌خوان‌ها: آسان و در

دسترسی

مدافعان برتری صفحه‌خوان‌ها برای طرح دیدگاه خود به مزایای این ابزارها اشاره می‌کنند. آنان معتقدند این مزایا ما را از بریل بی‌نیاز می‌کنند و برای دستیابی به مزایای منحصر به فرد بریل می‌توان راه‌کارهای جایگزینی در نظر گرفت.

از جمله مزایای صفحه‌خوان‌ها عبارت‌اند از:

۱- دسترسی در هر جا: صفحه‌خوان‌ها به دلیل قابل استفاده بودن در کامپیوترها و تلفن‌های هوشمند، همیشه و همه‌جا در دسترس‌اند. این موضوع به افراد نابینا امکان می‌دهد تا در هر زمان و مکانی به اطلاعات مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند.

۲- سرعت بالا: سرعت استفاده از صفحه‌خوان‌ها بسیار بالا است. این ابزارها می‌توانند متن را با سرعتی حتی بیشتر از انسان بخوانند و به افراد نابینا امکان می‌دهند تا در زمان کوتاهی حجم زیادی از اطلاعات را پردازش کنند. این مزیت در مقابل اشکال سرعت در خواندن بریل بسیار اهمیت دارد.

۳- قیمت مناسب: صفحه‌خوان‌ها در مقایسه با ابزارهای بریل، مانند نمایشگرها، یادداشت‌بردارها و چاپگرها بسیار ارزان‌ترند. این موضوع دسترسی به این ابزار را برای افراد نابینا آسان‌تر می‌کند.

نقد دیدگاه حذف بریل: ضرورت حفظ تنوع

مدافعان استفاده از بریل معتقدند که حذف این خط، تنوع روش‌های یادگیری و خواندن را برای افراد نابینا از بین می‌برد و می‌تواند به استقلال و توانمندسازی آنها آسیب برساند. آنها در دفاع از دیدگاه خود به این دلایل اشاره می‌کنند.

۱- آسیب به سواد: بسیاری معتقدند بریل سواد افراد نابینا است. همان‌طور که افراد بینا با دانستن یک خط می‌خوانند و می‌نویسند، بریل همین کار را برای فرد نابینا انجام می‌دهد. از زمانی که صفحه‌خوان‌ها فراگیر شدند،

نامه اول: کوله گرد چطور کوله گرد شد:

رهایی از تله اثبات

مسعود طاهریان: کوله گرد رها

دل من یه روز به دریا زد



سلام!

نمی‌دونم کی هستی و چطور این نوشته به دست رسیده! من که بعد سال‌ها اسارت و بندگی، الان تنها توی یه ساحل ماسه‌ای روی تخته‌سنگی لب دریا نشستم و این نامه رو با گوشی همراهم برای تو که نمی‌شناسم، می‌نویسم. گرمای ملایم خورشید که در حال غروب، افتاده روی سمت راست صورتم؛ یه تی‌شرت آستین کوتاه قرمز و شلوارک سیاه تا زانو پوشیدم؛ از نوازش موج‌های خنک دریا که تا قوزک پای لختم لیز می‌خورند و برمی‌گردند، لذت می‌برم و کف پام توی ماسه‌های نرم و خیس فرورفته. ساحل صاف و یکدست نیست و لایه‌لایه و موج‌موج بودن ماسه‌ها رو زیر پام احساس می‌کنم. نسیم قطره‌های آب رو به صورتم می‌پاشه و موهام رو به هم می‌ریزه. هوا خنکی لذت‌بخشی داره. قطره‌های شناور آب و بوی نمک و گیاه‌های وحشی بهاری تازه دماغم رو قلقلک می‌ده. همه چیز در حال و هوای عصرگاهی‌ای فرو رفته و فقط صدای آرام نسیم و تلاطم سطح دریا رو می‌شنوم. همه‌جا ساکت و آرومه و دریا هم خیلی مواج نیست. اینجا جاییه که در رؤیا و فانتزی دوست داشتم که باشم. رسیدنم به اینجا ماجرای داره که می‌خوام بگم.

پاشنه کفش فرارو ورکشیدم

قبلاً آدمی بودم با نام و نشون. شغل داشتم، نه یکی، بلکه سه تا. یه جور کار می‌کردم تا رئیس‌ها و همکارام از دستم راضی باشند. برای جمع کردن پول خودم رو می‌کشتم. هر دوره آموزشی و مقطع تحصیلی‌ای که بود می‌گذروندم. حواسم به حرفا و رفتارم بود که همون دفعه اول توی یاد آدمای غریبه بمونم. دنبال این بودم تمام آشنا و فامیل ازم خوب بگند و دوستم داشته باشند. زور می‌زدم خونواده‌م روم حساب کنند.

آخه تو بچگی بیناییم رو به خاطر یه مریضی از دست دادم. ندیدن پرتم کرد به یه شرایط ناشناخته جدید. یک‌هو زندگیم زیر و رو شد. از هر جمع، فعالیت و تصمیم‌گیری کنار گذاشته شدم. حس عجز، ناتوانی و تنهایی بندهند وجودم رو گرفت. مجبور شدم خودم رو برای هر چیزی به دیگران ثابت کنم. تمام انرژی‌م رفت به سمت اینکه به بقیه بگم: «می‌تونم یاد بگیرم، کارها رو انجام بدم، در گروه‌ها باشم و ارزشمند و دوست‌داشتنی هستم».

کم‌کم یه ناظر درونی توی وجودم جون گرفت که از هر کسی سختگیرتر بود. دیگه توی زندگیم، خودم جایی نداشتم. هیچ چیزی راضیم نمی‌کرد. سیر نمی‌شدم؛ موفقیت پشت موفقیت! می‌خواستم همه بشناسنم. شده بودم آدمی که سایرین می‌خواستند. جایی کار می‌کردم که بقیه می‌گفتند خوبه. چیزی رو انجام می‌دادم که دیگران لازم می‌دونستند، حرفی رو می‌زدم که اطرافیانم قبول داشتند و... فشار بود که پشت فشار تحمل می‌کردم تا جایی که مریض شدم. هیچ‌وقت ناخوشیم این قدر شدید و طولانی نشده بود.

اون موقع‌ها هفت روز هفته از کله سحر تا بوق سگ کار می‌کردم. کلی از کارهام رو هم می‌آوردم خونه تا شب انجام بدم. حجم بالای کاری، کم‌خوابی وحشتناک، جابه‌جایی زیاد شهری، بودن در محیط‌های شلوغ و آلوده، مشغله ذهنی فراوان باعث شد ذات‌الریه کنم.

می‌نویسم، می‌ذارمشون توی یه گوشه کنار و ولشون می‌کنم در زمان و مکان. باقی چیزها دیگه به توی خواننده برمی‌گرده. خواستی باور کن، دوست نداشتی بریزشون دور. ممنونم که تا آخر این نامه رو خوندی! امیدوارم هرجایی که هستی، خوب و خوش و سلامت باشی. تا نامه بعد مراقب خودت باش! نظری هم داشتی، برام بنویس!

پی‌نوشت

وقتی این نامه رو می‌نوشتم، یکی از شعرهای [محمدعلی بهمنی](#) گوشه ذهنم زمزمه می‌شد که در ادامه می‌نویسمش. [ناصر عبداللهی](#) هم اون رو خیلی عالی خوندتش. عمر شاعرش طولانی و یاد خواننده‌ش گرامی!

هوای حوا

دل من یه روز به دریا زد و رفت
پشت پا به رسم دنیا زد و رفت
پاشنه کفش فرارو ورکشید
آستین همتو بالا زد و رفت
یه دفعه بچه شد و تنگ غروب
سنگ توی شیشه فردا زد و رفت
دفتر گذشته‌ها رو پاره کرد
نامه فرداها رو تا زد و رفت
حیوانی تازگی آدم شده بود
به سرش هوای حوا زد و رفت
زنده‌ها خیلی براش کهنه بودن
خودشو تو مرده‌ها جا زد و رفت
هوای تازه دلش می‌خواست ولی
آخرش توی غبارا زد و رفت
دنبال کلید خوشبختی می‌گشت
خودشم قفلی رو قفلا زد و رفت

تمام عضلات بدنم خشک و منقبض شده بود. داشتم از درد می‌مردم. مثل کاغذ مچاله به خودم پیچیده بودم. ریه‌هام کم آورده بود. نمی‌تونستم درست نفس بکشم. هیچ چیزی رو درست نمی‌فهمیدم. انگار توی یه حمام پر از بخار بودم. همه حواسم از کار افتاده بود. حال یه درخت سفت و سخت رو داشتم. سرفه‌هام گوش خودم و فلک رو کر کرده بود، باین حال سعی می‌کردم مریض خوبی باشم. الکی ناله نکنم. خودم جابه‌جا بشم. کارهام رو انجام بدم و کسی رو مریض نکنم، ولی آخر مجبور شدم با تب ۳۹ درجه برم دکتر. برای من این داستان شد جرقه‌ی یه تغییر درونی.

هوای تازه دلم می‌خواست

اومدم خونه. یه هفته سرکار نرفتم و فقط خوابیدم. در تب و لرزی که توش دست و پا می‌زدم و بین خواب و بیداری‌ای که مرز مشخصی نداشت، به پوچی خودم و زندگی‌م فکر کردم. مثل [دکارت](#) همه چیز رو ریختم وسط تا ببینم چه چیزی اصل و چه چیزی فرعه. مریضی و ملاقات مرگ کار خودش رو کرد. زنجیر پاره کردم. توی همون هفته مریضی از گروه‌ها و پروژه‌هایی که هیچ ربطی به خواست قلبیم نداشت، بیرون اومدم. موقتاً از بعضی کارهام دست کشیدم تا روشون بیشتر فکر کنم. این بررسی و ول کردن‌ها به جایی رسید که یه توشه مختصر و مفید ریختم تو کوله‌م. گوشه‌ی و لپ‌تاپم رو برداشتم. زدم به جاده و شدم اون چیزی که دلم می‌خواست، یعنی: [کوله‌گرد رها](#).

الان فقط مشکلم سیر کردن شکمم و شارژ کردن لپ‌تاپ و گوشیمه. گهگاه برمی‌گردم، چیزی می‌گیرم، چیزی می‌فروشم، چیزی می‌خورم، کاری در ازای پولی انجام می‌دم و عزیزتی رو می‌بینم. زندگی‌م شده خوندن و نوشتن و دیدن و شنیدن. دیگه اصلی‌ترین ویژگی‌م حرکت کردن و ماجراجویی. اگه در مسیر کوله‌گردیم چیز جالبی ببینم، یه جوری تعریفش می‌کنم یا می‌گمش یا می‌نویسمش. شاید حرفام خیالی باشند یا واقعی. نمی‌دونم می‌شه جدیشون گرفت یا نه. فقط اونا رو

نابینایان و دفاتر اسناد رسمی

نگین حیدری: کنشگر حوزه حقوق معلولان



در نهمین شماره از مجموعه معلولان و قوانین ایران، در گفتگو با آقای دکتر ناصر سرگران، استاد دانشگاه، وکیل دادگستری و کنشگر حوزه حقوق معلولان با موضوع نابینایان و دفاتر اسناد رسمی، همراه شما هستیم.

مهمان این شماره در مقدمه، در بیان علل و موارد مراجعه به دفاتر اسناد رسمی می‌گوید: از زمانی که ارتباطات مردم گسترش پیدا کرد، به‌منظور پیشگیری از وقوع جرم و تخلفات و نقض قراردادها، نیاز به ثبت مسائل حقوقی مردم، از جمله معاملات و تعهدات میان افراد به وجود آمد و سازوکارهایی ایجاد شد که مردم بتوانند از طریق دفاتر اسناد رسمی، تعهدات خود را ثبت کنند و در آینده در صورت لزوم بتوانند از قابلیت استناد این اسناد بهره‌گیرند. این ضرورت در ایران از حدود یک‌صد سال پیش مورد توجه قرار گرفت و قانون ثبت در سال ۱۳۱۰ به تصویب رسید و تا به امروز، علی‌رغم برخی اصلاحات، بیشتر مواد و مقررات آن به قوت خود باقی است.

او ادامه می‌دهد: دفاتر اسناد رسمی دفاتری هستند که در سطح شهرها وجود دارند و بخش خصوصی محسوب می‌شوند، ولی باید از بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های سازمان ثبت اسناد و املاک که زیرمجموعه قوه قضاییه است، پیروی کنند؛ برای مثال ثبت قرارداد و تعهدنامه‌های رسمی، رضایت‌نامه‌ها و اقرارنامه‌های رسمی باید در دفاتر اسناد رسمی انجام شود.

سرگران اضافه می‌کند: تفاوت اسناد رسمی با اسناد عادی در این است که اثبات ادعا به وسیله اسناد رسمی به سهولت انجام می‌شود و پیچیدگی‌های اثبات، تأیید و تنفیذ اسناد عادی را به همراه نخواهد داشت. این وکیل دادگستری چالش و گلايه نابینایان در مراجعه به دفاتر اسناد رسمی را در سه محور بررسی و می‌گوید: چالش اول این است که بر افراد نابینا تکلیف می‌شود که در مراجعه به دفاتر اسناد رسمی یک یا گاهی دو نفر امین همراه آنها باشند تا اسناد را برایشان بخواند و آنها بعد از اطلاع از محتوای سند ذیل آن را امضا کنند که نابینایان در بسیاری موارد این تکلیف را مغایر محرمانه بودن اسناد می‌دانند و در مواردی فرد امینی در دسترس آنها نیست. چالش دوم این است که در صورت همراه داشتن فرد امین، هنگام ثبت سند در سامانه ثبت آنی، گزینه‌ای که به‌عنوان دلیل همراه داشتن فرد امین ذکر می‌شود، بی‌سوادی فرد است و نابینایان این عبارت را برخلاف شأن و کرامت خود می‌دانند. چالش سوم هم عدم توجه سردفتران به دسترس‌پذیری فضای فیزیکی دفترخانه برای مراجعه و دسترسی معلولان است که در اغلب موارد در ساختمان‌های قدیمی و بدون رعایت استانداردهای مناسب‌سازی مستقر هستند.

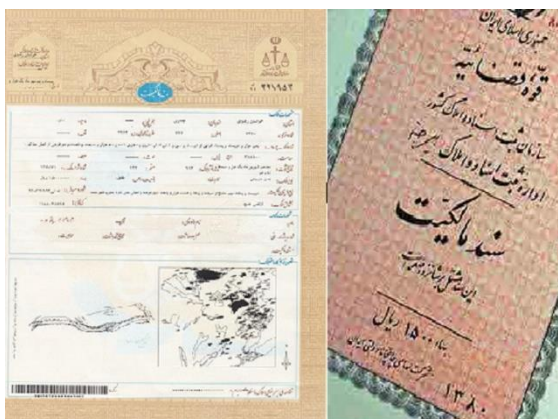
سرگران اضافه می‌کند: ماده ۶۴ قانون ثبت مبنای قانونی لزوم همراه داشتن معتمد توسط نابینایان در دفاتر اسناد رسمی است. این ماده قانونی به قوت خود باقی است و اصلاح و رفع نقضی نسبت به آن صورت نگرفته است. درخواست نابینایان به‌منظور همراه داشتن فرد معتمد با توجه به این تکلیف قانونی و جاهت ندارد. سندی هم که بدون رعایت این تشریفات تنظیم شود اعتبار قانونی نخواهد داشت، ولی دوستان نابینا و کم‌بینا باید توجه داشته باشند که درخواست همراه داشتن دو نفر معتمد در دفاتر اسناد رسمی فراتر از قانون است و می‌توانند استدلال کنند و نپذیرند.

مهمان این شماره از مجموعه معلولان و قوانین ایران حذف تکلیف لزوم همراه بودن معتمد با نابینایان را منوط

مطالعه و بعد از برطرف شدن ابهام‌ها، امضای الکترونیک خود را در پایین سند درج می‌کند.

مهمان این گفتگو در خصوص چالش دوم و درج عبارت بی‌سواد در سامانه می‌گوید: در سامانه به غیر از عبارت بی‌سواد گزینه دیگری هم وجود دارد که عیناً عبارت قانون ذکر شده که البته لفظ کور هم برخلاف منزلت نایبانیان است که باید تشکل‌های فعال حوزه معلولان از طریق سازمان بهزیستی، با استناد به ماده ۲ قانون حمایت از معلولان و ماده ۵ دستورالعمل نحوه حمایت از معلولان و سالمندان در فرایند دادرسی ابلاغی رئیس قوه قضاییه در تیرماه سال ۱۴۰۲، اصلاح این عبارت‌های نامناسب را در سامانه، از طریق معاونت اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور پیگیری کنند.

علاقه‌مندان به آشنایی با مباحث مربوط به نایبانیان و دفاتر اسناد رسمی می‌توانند مشروح این گفتگو را در پادکست ضمیمه که از طریق وبگاه و کانال‌های نسل مانا نیز قابل دریافت است، دنبال کنند.



به اصلاح قانون می‌داند و اضافه می‌کند: اصلاح قانون منوط به اصلاح زیرساخت‌ها و فراهم آمدن امکان دسترسی الکترونیک به اسناد برای نایبانیان است و تا زمانی که این امکانات فراهم نشود، در صورت حذف تکلیف همراه داشتن معتمد، چالش‌های دیگری برای نایبانیان در مراجعه به دفاتر، به وجود خواهد آمد. چه بسا در بسیاری موارد مسئله سوءاستفاده از نایبانیان مطرح می‌شود. در صورت امضای سند در دفترخانه، اظهار بی‌اطلاعی از مفاد آن پذیرفته نمی‌شود و دعوی که در این خصوص مطرح شود، چون مربوط به یک سند رسمی است، پیچیدگی‌های متعددی به همراه خواهد داشت. او ادامه می‌دهد در وضعیت کنونی قانونی و با توجه به امکانات و زیرساخت‌های موجود، نایبانیان در هنگام مراجعه به دفاتر اسناد رسمی، حتماً فرد معتمدی را همراه خود داشته باشند و پس از مطالعه سند توسط فرد معتمد و رفع ابهامات، نسبت به امضای سند اقدام کنند. هرگونه عجله و بی‌احتیاطی در این خصوص گاه تبعات جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت، حتی در بعضی موارد مسئله تخلف سردفتران در تنظیم اسناد مطرح شده و اعتماد کامل به کارکنان دفاتر اسناد رسمی برخلاف احتیاط لازم در تنظیم اسناد و انجام امور حقوقی است.

این فعال حوزه حقوق معلولان می‌گوید: در صورت ایجاد امکانات و زیرساخت‌های لازم، اصلاح قانون و حذف تکلیف همراه داشتن معتمد قطعاً به صلاح نایبانیان خواهد بود و با مقتضیات زمان و پیشرفت‌های کنونی این شرایط دور از ذهن و غیرممکن نیست. تلاش جامعه افراد با آسیب بینایی باید در مسیر فراهم آمدن امکانات و دسترسی‌های لازم و به دنبال آن اصلاح قانون باشد.

سرگران در خصوص تجربه کشورهای موفق در موضوع معلولان و امور ثبتی بیان می‌کند: این کشورها عمدتاً زیرساخت‌ها را فراهم کرده‌اند؛ به گونه‌ای که فرد نایبنا به سامانه ثبتی مراجعه یا از طریق ایمیل خود، سند را

در طول دو سال توانست این خط را برای استفاده نابینایان ساده‌سازی و تکمیل نماید.

وقتی لویی پانزده‌ساله شد این خط آماده بود؛ خطی که حالا یادگیری‌اش ساده‌تر و خواندنش سریع‌تر شده بود. سال‌ها طول کشید تا این خط به صورت گسترده مورد استفاده قرار گیرد.

اولین کتاب به خط بریل در سال ۱۸۲۷ منتشر شد و در سال ۱۸۷۸ کنگره جهانی نابینایان خط بریل را به‌عنوان خط بین‌المللی نابینایان جهان برای خواندن و نوشتن تصویب کرد. پس از آن جنگ نقطه‌ها آغاز شد تا سرانجام در سال ۱۹۳۲ خط بریل انگلیسی معیار برای کشورهای انگلیسی‌زبان ایجاد شد.

در نوامبر سال ۲۰۱۸، مجمع عمومی سازمان ملل با هدف بزرگداشت آگاهی از اهمیت خط بریل به‌عنوان یکی از ابزارهای ارتباطی در دستیابی کامل افراد با آسیب بینایی به حقوق بشر ضمن انتشار بیانیه‌ای ۴ ژانویه، زادروز لویی بریل، را «روز جهانی خط بریل» نام‌گذاری کرد.^۲

۱۲ مارس؛ روز جهانی گلوکوم

گلوکوم^۳ یا آب سیاه مجموعه‌ای از بیماری‌های چشمی را در برمی‌گیرد که می‌توانند به عصب بینایی چشم شما آسیب وارد کنند و به آرامی سبب کاهش بینایی و در نهایت نابینایی شوند. علت آسیب به عصب بینایی در این بیماری هنوز مشخص نیست، با این حال گلوکوم معمولاً با فشار

روزهای جهانی مربوط به آسیب بینایی

گردآوری: مریم مشایخی



ضمن تبریک سال نو خورشیدی به مخاطبان گرامی نسل مانا در این یادداشت به معرفی مناسبت‌های جهانی مرتبط با افراد دارای معلولیت، به‌ویژه افراد با آسیب بینایی می‌پردازیم تا ضمن یادآوری به سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با این افراد، به‌منظور برگزاری برنامه‌های مناسبی با هدف آگاهی‌بخشی جامعه در طول سال، لزوم توجه به نیازها و حمایت افراد دارای معلولیت به مسئولان گوشزد شود.

۴ ژانویه؛ روز جهانی خط بریل

لویی بریل روز چهارم ژانویه ۱۸۰۹ در کوپرا، دهکده‌ای در شمال فرانسه، چشم به جهان گشود. او وقتی سه‌ساله بود در حال بازی با ابزارهای مغازه پدرش نابینا شد. لویی را در سن ده‌سالگی به مدرسه نابینایان پاریس فرستادند، اما در آن زمان کتاب‌های قابل استفاده برای نابینایان بسیار اندک بود. لویی با الهام از شیوه نوشتاری لمسی که افسر ارشد ارتش فرانسه، شارل باربیه، اختراع کرده بود،

³ glaucoma

¹ Coupvray

بینایی‌سنجی به‌عنوان گزینه شغلی برای علاقه‌مندان به حوزه سلامت نیز کمک می‌کنند.

۱۶ می؛ روز جهانی آگاهی از دسترس‌پذیری

هر کاربر شایسته تجربه دیجیتال عالی در فضای وب است. افراد معلول نیز باید امکان تجربه خدمات و محتوای مبتنی بر وب و سایر محصولات دیجیتالی را با همان کیفیت مطلوبی که افراد دارای سلامت کامل جسمانی تجربه می‌کنند داشته باشند.

این آگاهی و تعهد نسبت به ایجاد دسترس‌پذیری، هدف تعیین روز ۱۶ می به‌عنوان «روز آگاهی از دسترس‌پذیری عمومی»^۴ است؛ رویدادی جهانی که بر اهمیت دسترسی دیجیتال و ایجاد آن برای افراد معلول تأکید دارد.

بنیاد گاد^۵ نیز در سال ۲۰۲۱ برای بزرگداشت دهمین سالگرد روز آگاهی از دسترس‌پذیری عمومی راه‌اندازی شد. کارکرد این بنیاد دگرگونی فرهنگ فناوری و توسعه محصولات دیجیتال با هدف گنجاندن دسترس‌پذیری به‌عنوان یکی از الزامات اصلی در طراحی این محصولات است.

۱۲ اکتبر؛ روز جهانی بینایی

نماینده‌ی بین‌المللی پیشگیری از نابینایی^۶ با حمایت بیش از دویست سازمان عضو، روز ۱۲ اکتبر را «روز جهانی بینایی» نامیده است. سازمان‌ها و نهادها می‌توانند از این روز به‌عنوان فرصتی برای

چشم و سایر عوامل ریسک همراه است. این بیماری قابل درمان نیست، اما می‌توان با تجویز دارو و جراحی از پیشرفت آن جلوگیری کرد. هرچند بیش از ۷۵ میلیون نفر در سراسر جهان دچار گلوکوم شده‌اند، اما هنوز بیشتر مردم از عوامل ریسک و آسیب‌های این بیماری آگاه نیستند.

انجمن جهانی گلوکوم^۱ در سال ۲۰۲۰ با هدف ترویج آگاهی افراد از علل، علائم، عوامل ریسک و کنترل این بیماری روز ۱۲ مارس را «روز جهانی گلوکوم» اعلام کرد.

۲۳ مارس؛ روز جهانی بینایی‌سنجی

انجمن بین‌المللی بینایی‌سنجی^۲ که در حال حاضر با عنوان «شورای جهانی بینایی‌سنجی»^۳ شناخته می‌شود، برای اولین بار در سال ۱۹۹۲ «روز جهانی بینایی‌سنجی» را جشن گرفت. هدف اصلی این رویداد، افزایش آگاهی از اهمیت مراقبت از چشم‌ها و ترویج نقش بینایی‌سنجی در ایجاد امکان دسترسی به خدمات مراقبت از چشم در سراسر جهان بود. روز جهانی بینایی‌سنجی هر سال با زمینه ویژه‌ای برگزار می‌شود که نشانگر جنبه متفاوتی از مراقبت از چشم است. این زمینه‌های جامع نه تنها بر اهمیت دسترس‌پذیری خدمات مراقبت از چشم برای همگان تأکید دارند، بلکه به ایجاد آگاهی از

^۴ Global Accessibility Awareness Day (GAAD)

^۵ The GAAD Foundation

^۶ The International Agency for the Prevention of Blindness

^۱ the World Glaucoma Association.

^۲ the International Optometric and Optical League (IOOL).

^۳ the World Council of Optometry (WCO).

نقاشی با کلمات (بخش سوم) جواد سقا: دکتری علوم ارتباطات



توجه به این نکته مهم است که افراد دارای اختلال‌های بینایی، برخلاف بسیاری از افراد ناشنوا، زبان منحصر به فردی ندارند. آنها اعضای انجمن‌های گفتاری هستند که عمدتاً از افرادی تشکیل شده‌اند که آسیب‌های بینایی قابل توجهی ندارند. زبانی که مصرف‌کنندگان توضیحات صوتی در زندگی روزمره از آن استفاده می‌کنند، توسط دنیای بی‌شکل گرفته است. امروزه توصیف صوتی در فیلم‌ها و برنامه‌های تصویری کاربرد بسیاری دارند.

از گذشته، فیلم‌نامه‌نویسان و سازندگان فیلم با این فرض که تماشاگران دچار اختلال‌های حسی نیستند، فیلم را خلق کرده‌اند. تولید فیلم معاصر همیشه برای مخاطبان غیر نابینا طراحی شده است. از اواخر قرن بیستم «AD» یا توصیف صوتی به‌عنوان یک سرویس اضافی ضروری برای آن دسته از افراد نابینا و کم‌بینا که نمی‌توانستند به ویژگی‌های بصری فیلم دسترسی داشته باشند تهیه شد. در قرن بیستم، با پیشرفت سینمای صامت، راویانی توسط صاحبان سینما استخدام شدند تا فیلم را توضیح دهند و تیتراژها را بخوانند. در آن سال‌ها سواد خواندن هم به زبان فیلم و هم خواندن متون اتفاق رایجی نبود.

در قرن بیست و یکم که فرهنگ و جامعه از کاغذ به قالب‌های سمعی و بصری منتقل شده است، نیاز به

متمرکز کردن توجه مردم سراسر جهان به سمت سلامت چشم به‌عنوان مسئله‌ای فراگیر و افزایش آگاهی افراد، خانواده‌ها و جوامع از سلامت چشم استفاده کنند.

۱۵ اکتبر؛ روز ایمنی عصای سفید

عصای سفید یکی از ابزارهای حرکتی است که برای افراد نابینا اختراع شده و قرن‌هاست که مورد استفاده این قشر قرار می‌گیرد. اکنون عصای سفید نماد آزادی، استقلال و اعتماد به نفس نابینایان است؛ چراکه امکان رفت و آمد یا حرکت آزادانه و استقلال در انجام کارهای شخصی را برای این قشر فراهم کرده است. «روز ایمنی عصای سفید»^۱ از جمله مناسبت‌های ملی ایالات متحده آمریکا است که از سال ۱۹۶۴ در ۱۵ اکتبر هر سال برگزار می‌شود. این روز به تدریج به‌عنوان یکی از رویدادهای مهم جهانی برای به رسمیت شناختن افراد نابینا، نقش فعال آنها در جامعه و گرامیداشت استقلال آنها در نظر گرفته شده است.

۳ دسامبر؛ روز جهانی معلولان

این روز از سوی سازمان ملل متحد با هدف ترفیع حقوق و افزایش رفاه افراد معلول در همه سطوح جامعه و توسعه و افزایش آگاهی از موقعیت معلولان در تمام جنبه‌های زندگی در نظر گرفته شده است.

¹ White Cane Safety Day

است. او اسپرت لباس می‌پوشد؛ شلوار جین آبی با تی‌شرت سفید. رامین با گام‌های بلند راه می‌رود.

در این مثال اگرچه تمام جزئیات ظاهری شخصیت بیان شده است، اما اینکه آنها چقدر لازم و ضروری هستند به عوامل متعددی بستگی دارد. در فیلم‌ها بسیاری از چیزها قابل‌درک است، درحالی‌که پیام‌ها و مفاهیم نمادین به شیوه‌های مختلف تفسیر و درک می‌شوند. درک فیلم می‌تواند در زمان‌های مختلف حتی برای یک بیننده معنای متفاوتی داشته باشد. هر بیننده‌ای از طریقی به معانی فیلمی که می‌بیند نزدیک می‌شود. مضامین یک فیلم توسط تماشاگران و در تعامل با آنها تولید می‌شود؛ بنابراین تلاش برای تفسیری منحصر به فرد که به‌عنوان توصیف صوتی ارائه می‌شود، شاید تصور ساده‌ای از هنر و شناخت مخاطب باشد. فیلم‌ها داستان‌هایی را به تصویر می‌کشند که ما می‌توانیم آنها را با استفاده از زمینه فرهنگی و اجتماعی با روایت ترکیب کنیم. تامپسون بر این باور است که توانمندی موقت برای فهم فیلم به کاربر نابینای AD نشان می‌دهد که افراد بینا می‌توانند از طریق دسترسی به اطلاعاتی که ظاهراً با بینایی همراه است، بر افراد نابینا اعمال قدرت کنند. به نظر او «ادراک بصری شکلی از قدرت است که مانند هر قدرت دیگری می‌تواند مقایسه شود، مورد سوءاستفاده قرار گیرد و بنابراین به‌عنوان نوعی کنترل مورد استفاده قرار گیرد.» فیلم‌ها می‌توانند واقعیت‌های فیزیکی و جهان فیزیکی را با دقت بسیاری بازتولید کنند، اما وقتی وارد حوزه انتزاعی می‌شویم، نمادگرایی تصاویر و اصل موضوع‌ها زمانی است که توصیف بیشتری مورد نیاز است (تامپسون، ۲۰۱۸).

در ساخت روایت فیلم باید به عناصر کوچکی توجه کرد که برای توصیف شخصیت‌ها یا پیشبرد داستان اساسی نیستند، اما برخی اطلاعات رمزگذاری شده را آشکار می‌کنند (اوررو، ویلارو، ۲۰۱۳)؛ مانند اطلاعات نوشته شده روی یادداشتی که بازیگر به آن نگاه می‌کند، اما آن را بیان نمی‌کند. توصیف صوتی با هدف دسترسی آسان

دسترسی به محتوا شدیدتر است. در سال ۱۹۸۲ توصیف صوتی با همکاری شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی با پخش هم‌زمان این خدمات به مخاطبان در آمریکا توسعه پیدا کرد (Snyder، ۲۰۰۷).

توضیحات صوتی به یک فرد نابینا یا کم‌بینا این امکان را می‌دهد که یک فیلم را به‌طور مساوی با افراد بینا تجربه کند و از آن لذت ببرد. این شکل توصیف صوتی اطلاعاتی را که به‌طور کامل با دیالوگ یا صدای محیط مشخص نمی‌شود و هر عنصر بصری فیلم را برای مخاطب توضیح می‌دهد. توضیح‌ها در سینما توسط توصیف‌کننده صوتی تخصصی ضبط و هنگام پخش فیلم در سینما با یک هدست بی‌سیم سبک‌وزن که مخاطب نابینا در گوش دارد شنیده می‌شود. توصیفی که معمولاً توسط توصیف‌کننده‌ای که آن را ارائه می‌دهد نوشته می‌شود، به جزئیات اقدامی می‌پردازد که برای درک داستان فیلم ضروری است. این ممکن است شامل ظاهر، حرکات، حالت‌های چهره، هویت شخصیت‌ها، کنش‌ها و واکنش‌ها، در آغوش گرفتن، دعوا، رقصیدن، شوخی‌های بصری و هر چیزی باشد که نشان داده می‌شوند و ممکن است بدون توضیحات، تماشاگر نابینا آن را از دست بدهد.

پخش صدای بازیگران در آغاز به شنوندگان فرصتی دهد تا قبل از فیلم صدای بازیگران را تشخیص دهند و شناخت قبلی به دست آورند. این معرفی در سینما پیش از دیدن فیلم ارائه می‌شود؛ به این معنا که افراد نابینا و کم‌بینا به همه اطلاعات دسترسی داشته باشند، مثلاً در معرفی شخصیتی که در تصویری مشخص است می‌توان گفت: رامین در یک محله جنوبی تهران زندگی می‌کند. او ۳۷ ساله است، قد او یک متر و هشتاد است و با هشتاد کیلو وزن، اندامی ورزشی دارد. موهای او قهوه‌ای تیره، بلند و رو به عقب بسته شده است. رامین پیشانی بلند، پوست سفید، چهره جدی، صورتی کشیده و کمی ته‌ریش دارد. چشمان او قهوه‌ای و کمی گود

تحلیلی از ضرب‌المثل‌های نابینایی

محمد نوری : نویسنده و پژوهشگر حوزه

معلولیت

با یک بررسی ساده به دست آمد که حدود دویست ضرب‌المثل داریم که کلیدواژه‌های نابینا، کور، بصیر و چشم در آنها به کار رفته است. این آمار گویای این نکته است که نابینایی نسبت به معلولیت‌های دیگر بیشتر مورد توجه بوده است، اما الآن نمی‌خواهیم از اهمیت نابینایی بحث کنیم؛ فقط می‌خواهیم ضرب‌المثل‌های نابینایی را از نگاه فرهنگی تحلیل کنیم.

محتواسنجی یا تحلیل محتوایی

متن برخی از ضرب‌المثل‌ها پیام مثبت و گاه مفاد منفی دارد. مثبت یا منفی بودن به دلیل آموزنده بودن و تأثیر سازنده داشتن در زندگی عموم مردم یا نابینایان یا مخرب و غیر انسانی بودن است. اگر مفاد ضرب‌المثلی به‌گونه‌ای باشد که افراد بتوانند برای هجو، مسخره کردن و تحقیر استفاده کنند، این‌گونه ضرب‌المثل‌ها محتوای منفی دارند، ولی اگر برای تحریک به سوادآموزی، آگاهی‌بخشی و افزایش عبرت و درست‌آموزی باشد، محتوای مثبت دارند.

ضرب‌المثل‌هایی هم هستند که قابلیت دوگانه دارند و می‌توان هم برای اهداف منفی هم مثبت به کار برد. ضرب‌المثل «کور کور را پیدا می‌کند، آب گودال را» در موارد منفی و مثبت به کار می‌رود. این ضرب‌المثل در توصیف کسی که دنبال رفیق ناباب و فاسد رفته است، گفته می‌شود و همچنین در توصیف جوانی که همسر مناسب خودش را پیدا کرده است نیز همین ضرب‌المثل را می‌گویند.

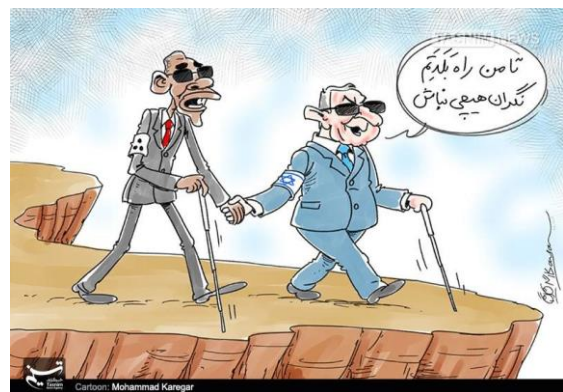
ضرب‌المثل «کور به کار خود بینا است» رویکرد و نگاه مثبت دارد و مفادش این است که فرد نابینا در همهٔ امور نادان نیست، بلکه در کارهایش بینایی و بصیرت دارد و فقط در فقدان حس بینایی با دیگران متفاوت است؛ به‌عبارت‌دیگر حس بینایی ندارد، ولی عاقل است و قدرت تعقل و تشخیص دارد.

افراد دارای معلولیت بینایی به رسانه‌ها انجام می‌شود. توضیح‌ها هنگامی که با تصاویر همراه نباشند، خودبه‌خود معنا ندارند. در سال‌های اخیر استفاده از توصیف صوتی توجه بسیاری از پژوهشگران، سازمان‌های دولتی و کاربران و مخاطبان را به خود جلب کرده است.

توصیف صوتی مزایایی برای مخاطب خود دارد. مزایای توصیف صوتی برای نابینایان، کسب دانش و درک بهتر برنامه‌های رسانه‌ای، احساس استقلال، تجربهٔ ارتباط اجتماعی و تقویت حس برابری با دیگر افراد جامعه و تجربهٔ لذت تماشای فیلم و کاهش تلاش افراد بینا در توضیح فیلم است. باید به این نکته توجه کرد که (AD) مستقل نیست، بلکه تنها یک کل منسجم و معنادار را در ترکیب با عناصر دیگر معنادار مانند دیالوگ‌ها، موسیقی و جلوه‌های صوتی تشکیل می‌دهد. همچنین با محدودیت‌های مختلفی مانند محدودیت‌های زمانی و تعامل با عناصر دیگر اداره می‌شود.

شاید در نگاه اول توصیف تصاویری آسان به نظر برسد، اما تجزیه و تحلیل فیلم مشکلات بسیاری به همراه دارد. انتخاب اطلاعات بصری ارائه‌شده در تصاویر بسیار ذهنی است.

ادامه دارد...



استفاده ابزاری

- دیده‌بانی مَجوز دیده‌کور؛ یعنی کسی که نابینا است در کار مردم سرک نمی‌کشد و فضولی نمی‌کند و جاسوس نیست.

اینها نمونه‌هایی است که گاه به‌عنوان عناصر زبانی منفی و برای تخریب استفاده شده است، ولی می‌تواند به‌عنوان یک عنصر زبانی مثبت و سازنده هم استفاده شود.

نقش اجتماعی

جامعه مثل ساختمان از عناصر و مصالحی تشکیل شده که هرچه به هم چسبیده‌تر و پیوند آنها بیشتر باشد، استحکام آن جامعه افزون‌تر و در نتیجه پیشرفت و کارایی آن بهتر و گسترده‌تر است. جامعه نابینایان نیز از این قاعده مستثنا نیست و توصیه شده است با اعمال روش‌های مختلف پیوندها، تعاملات و ارتباطات اجتماعی را در این جامعه افزایش داد.

گفتگو، گسترش فولکلور و هنر روش‌هایی برای تحکیم جامعه است و ضرب‌المثل‌ها یکی از عناصر فولکلور هستند. با ضرب‌المثل‌ها بهتر و زودتر می‌توان نیت‌ها و مقصود خود را به مخاطبان فهماند؛ از این رو تفهیم و تفاهم و مفاهمه عمومی و فهم جمعی با استفاده از ضرب‌المثل‌ها تحقق می‌یابد.

با اینکه فرهنگ فارسی نسبت به ضرب‌المثل‌های نابینایان و تا حدی دیگر معلولان غنی است، ولی متأسفانه کمتر به آن توجه شده است و پژوهشگران تاکنون درباره ضرب‌المثل‌هایی با موضوع معلولیت و نابینایی کتاب و مقاله‌ای عرضه نکرده‌اند؛ برعکس در فرهنگ انگلیسی، ده‌ها تحقیق و صدها کتاب و مقاله و پایان‌نامه عرضه شده است. ضرب‌المثل انگلیسی با

واژه‌های **saying, Proverbs**

adage و **byword** بیان می‌شود و چندین

عنوان کتاب فرهنگ ضرب‌المثل‌های نابینایی در اروپا و آمریکا منتشر شده است. در مقاله‌ای مستقل این آثار انگلیسی را معرفی و بررسی می‌کنم، اما در این مقاله فقط ضرب‌المثل‌های فارسی و به دلیل قرابت و پیوند دو

مخاطب اصلی و واقعی بعضی ضرب‌المثل‌ها نابینایان نیستند، بلکه خطابش عموم مردم هستند، مثلاً «کوری عصاکش کور دیگر بُود» درباره مردمی است که ناتوان از انجام کارهایی هستند یا توانایی راهنمایی را ندارند، ولی اقدام به انجام آن کارها یا راهنمایی می‌کنند. در این ضرب‌المثل‌ها از کور یا بی‌چشم و امثال اینها استفاده ابزاری شده تا پیامی را برساند. این کلیدواژه‌ها در این ضرب‌المثل‌ها نقش عاریتی و استعاره‌ای دارند. در ضرب‌المثل مزبور، کور اول در معنای کسی است که توهم راهبری و پیشبرد را دارد و کور دوم در معنای افرادی است که عنان و سرنوشت و امور خود را ناآگاهانه به دست آدم بی‌عرضه داده‌اند.

ضرب‌المثل‌ها نقش واسطه و ابزاری در ساخت و تولید تفکر، ایجاد رفتارهای اجتماعی و نیز در گسترش و تعمیق ارتباطات اجتماعی دارد. ضرورت دارد پژوهشگران کمک کنند تا در این زمینه کارهای فرهنگی بیشتر انجام شود.

به ساختار و مفهوم این ضرب‌المثل‌ها فکر کنید، به نظر می‌رسد این‌گونه عناصر زبانی می‌توانند چهره زیباتری از نابینایان عرضه کند:

- کور را به چراغ چه حاجت؟ یعنی نابینا کمتر از افراد عادی وابسته است و می‌تواند مستقل کارهایش را انجام دهد.

- کور و پشیمانی؛ گویای احتیاط و حزم و دوراندیشی نابینا است؛ بنابراین کارهایی را انجام می‌دهد که به خطا نیفتد و دچار پشیمانی نشود.

- کور خودمم و بینای مردم؛ نابینایی شخصی است، ولی در جامعه مثل دیگران بینا هستیم.

- کوری به از نادانی؛ جهل بدترین صفت است؛ کنایه از اینکه نابینا دانایی دارد و می‌تواند راه را از چاه تشخیص دهد.

- چشم شور شتر را به دیگ، آدم را به گور می‌کند؛ ممکن است کسی بینا باشد، ولی مخرب و زیان‌آور است.

به جای آنها ضرب‌المثل‌هایی که بر توانایی‌ها و جنبه‌های انسانی نابینایان تأکید دارند گسترش پیدا کنند.

شیرین‌زبانی

برخی هرگونه فکاهیات، طنز و شوخ‌طبعی را نسبت به نابینایان با برچسب توهین و بی‌احترامی رد و نفی می‌کنند، اما باید متوجه باشیم که زبان خشک و غیر نمکین و خالی از عناصر خنده و شادابی جذابیت ندارد؛ در نتیجه چنین زبانی نمی‌تواند روابط نابینایان و مردم را گسترش دهد. در بسیاری از مواقع یک مقام سیاسی یا یک ثروتمند از چرب‌زبانی و یک لطیفه درباره نابینایی شاد شده و تصمیم بسیار مهم و اساسی گرفته و به این جامعه کمک قابل توجهی کرده است؛ از این رو نابینایان نباید از طنز و فکاهیات و شیرین‌زبانی‌ها در مورد خودشان واهمه و نگرانی داشته باشند؛ چراکه این‌گونه کاربردهای زبانی در بین همه اقشار جامعه و حتی در مورد اقوام مختلف رواج دارد و کسی هم ناراحت و نگران نمی‌شود. مهم این است که زبان را از تحقیر و بی‌احترامی پاک‌سازی کرد یا مانع نهادینه شدن عناصر زبانی تحقیرآمیز شد. یک راه آن هم این است که خود نابینایان تلاش کنند زبان شیرین همراه با طنز و فکاهی داشته باشند، از عبوس و خشک بودن فاصله بگیرند و با مردم با جذابیت و شادابی ارتباط برقرار کنند.

مآخذ

- ابراهیم شکورزاده، ده هزار مثل فارسی (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی)، ۱۳۷۲.
- محمد نوری و منصور شادکام، دایرة‌المعارف نابینایی و نابینایان (تهران: توانمندان)، ۳ جلد، ۱۴۰۲، ۱۲۶۶ - ۱۲۷۲.

- «معجم الامثال العربیه»، www.noor.book.com
- *Proverbs about Blind: spciol Dictionary*, www.oxfordreferences.com.
- *Proverbspictionery*, www.unisa.ac.za.com.

فرهنگ فارسی و عربی تا اندازه‌ای ضرب‌المثل‌های عربی را هم تبیین می‌کنم.

نابینایان مثل هر قشر اجتماعی دیگر به ارتباطات دو سویه و تعاملات دو طرفه با دیگر اقشار جامعه نیاز جدی و مبرم دارند. هر مقدار روابط جامعه نابینایی با عموم مردم اعم از معلم، استاد، خیاط، نانوا، راننده تاکسی و... بیشتر و بهتر شود، پیشرفت این جامعه زودتر و سریع‌تر تحقق می‌یابد، اما گسترش ارتباطات جامعه هدف با مردم به مؤلفه‌های بسیار بستگی دارد که یکی از آنها خوش‌زبانی و گفتار نیک مردم است. مردم اگر ضرب‌المثل‌های مثبت و سازنده به کار ببرند و از کاربرد ضرب‌المثل‌های منفی اجتناب کنند، حتماً ذهنیت دو طرف نسبت به یکدیگر بهتر و تعاملات سازنده‌تر خواهد شد؛ بنابراین لازم است درباره ضرب‌المثل‌ها تحقیق و در این باره بیشتر مقاله و مطلب منتشر و اطلاع‌رسانی گسترده‌تر شود تا به مرور زمان، فرهنگ عامیانه تهذیب و پاک‌سازی گردد و عناصر مطلوب زبانی جایگزین شوند.

پیشگیری از بدآموزی زبانی

ضرب‌المثل آینه تفکرات و ذهنیات و رفتارهای مردم است. بر این اساس ضرب‌المثل‌ها گاه محتوای منفی و بدآموز دارند و کاربردشان به منظور تفهیم ایده‌ای منفی است؛ برای مثال مردمی هستند که به ناتوانی نابینا و معلول باور دارند و برای تفهیم این طرز فکرشان از ضرب‌المثل‌هایی استفاده می‌کنند که چنین محتوایی دارند.

برخی دانشگاه‌های غربی، تحقیقاتی درباره ضرب‌المثل‌های با بار منفی انجام داده و تلاش کرده‌اند ضرب‌المثل‌ها را پالایش کنند یا حداقل به مردم یاد دهند از چه ضرب‌المثل‌هایی استفاده کنند تا مانع تأثیر منفی آنها شوند.

ضرورت دارد فرهنگ فارسی، به‌ویژه فرهنگ عامیانه مردم ویرایش و پالایش شود و ضرب‌المثل‌هایی که ترویج مفاهیم ضد انسانی درباره نابینایان دارد حذف و

نواک: نوای کتاب در گفتگو با

صاحب‌نظران نابینا

رقیه شفیعی، کارشناس نابینایان نهاد کتابخانه‌های عمومی ایلام

درد بر خوانندگان و شنوندگان پادکست نواک نسل مانا! بار دیگر مهمان لحظات شما می‌شویم و پای سخنان جمشید کهندل می‌نشینیم تا این بار سیری در فرانسه داشته باشیم و از کتاب‌های فرانسوی و زبان فرانسه برایمان بگویند. جمشید کهندل فارغ‌التحصیل حقوق است و تا نوزده‌سالگی در ایران درس خوانده و پس از آن به فرانسه مهاجرت کرده است. او تحصیلاتش را در مدرسه علوم اداری این کشور ادامه داده و سپس کارمند دولت شده است. وی بیش از چهل سال است که کارمند اداره‌های مختلف کشور فرانسه بوده و اکنون نیز شاغل است. کهندل چندین سال را هم در بلژیک و لوکزامبورگ گذرانده است.

در ابتدا راجع به اینکه چرا بیشتر آثار ترجمه‌شده در ایران از گذشته تاکنون از فرانسه بوده است از کهندل می‌پرسیم. او پاسخ می‌دهد که فرانسوی از اولین زبان‌هایی بوده که ایرانیان با آن آشنا شده‌اند. وی شروع آشنایی ایرانیان با فرانسه را نامه فتحعلی‌شاه به ناپلئون می‌داند و می‌گوید: از آن پس زبان فرانسه تا مدت‌ها زبان دوم ایرانیان بوده است، البته نباید اهمیت نویسندگان دوره روشنگری را نیز نادیده بگیریم. این نویسندگان همان‌هایی بوده‌اند که ترجمه آثارشان در انقلاب مشروطیت ایران نقش بسیاری داشته است. این دلایل تاریخی باعث شده باینکه مردم عادی در حال حاضر بیشتر انگلیسی صحبت می‌کنند، ولی در مجامع دانشگاهی، ادبی و علمی زبان فرانسه همچنان در ایران جایگاه به‌خصوصی داشته باشد.

کهندل از نویسندگان کلاسیک مشهور فرانسه که آثارشان در بین ایرانیان مقبولیت داشته‌اند، ژان ژاک روسو، بالزاک، لامارتین و از نویسندگان جدید هم ژان پل سارتر و آندره ژید را نام می‌برد.

از دلایلی که جمشید کهندل را مهمان نواک کرده است این بوده که او شش سال است رایگان برای نابینایان فارسی‌زبان

آموزش زبان فرانسه دارد و دوره‌هایی برای زبان‌آموزان مبتدی و پیشرفته برگزار می‌کند. او درباره تصمیم انجام چنین کاری توضیح می‌دهد که با دوستان نابینای خارج از ایران انجمنی را تشکیل داده بودند و قرار بر این بود که به نابینایان، چه در خارج و چه داخل ایران، زبان آلمانی و انگلیسی آموزش دهند و به ایشان هم آموزش زبان فرانسه را پیشنهاد داده بودند. پس از مدتی، در سال ۲۰۱۷، یعنی شش سال پیش با کمک دوستان، تعدادی دانشجوی علاقه‌مند به آموزش فرانسه برای یادگیری اقدام کردند و همان آغاز دوره‌های آموزش فرانسه شد. کهندل راجع به شیوه آموزش به نابینایان و تهیه فایل‌های آموزشی توضیحاتی می‌دهد. او همچنین برای آموزش فرانسه به نابینایان در تولید فایل‌ها به بریل نیز کمک می‌کند. کهندل فایل‌های آموزشی را در فرمت‌های MP3 و تایپ‌شده هم در اختیار زبان‌آموزان قرار می‌دهد تا در آموزش زبان فرانسه با مشکل مواجه نشوند. جمشید کهندل توضیح می‌دهد که در طول دوره آموزشی برخی از کتاب‌های معروف به زبان‌های دیگر به‌صورت خلاصه نوشته شده و با زبان فرانسه در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرند تا با خواندن آنها مهارت زبان‌آموزی خود را محک بزنند. مهمان نواک هدف خود را از ایجاد کلاس‌های آموزش فرانسه کمک به فارسی‌زبانان برای یادگیری یک زبان دیگر می‌داند و تأکید دارد نابینایان قبل از اینکه بخواهند با افراد عادی در کلاس‌های آموزش زبان فرانسه شرکت کنند، یک دوره آموزش‌های ایشان را استفاده کنند تا شناخت کلی از نوع نگارش و زبان فرانسه به دست بیاورند و سپس وارد کلاس‌های عمومی شوند.

کهندل برای کسانی که بخواهند یادگیری فرانسه را آغاز کنند نیز دوره‌هایی برگزار می‌کند، اما این گروه می‌بایست ابتدا دوره آموزشی را که به‌صورت صوتی و نوشتاری از خود ایشان موجود است تهیه کنند و پس از گذراندن مقدمات وارد کلاس شوند.

علاقه‌مندان به یادگیری زبان فرانسه می‌توانند از طریق آدرس ایمیل

برای Jamshid.Kohandel@gmail.com

شرکت در کلاس و دریافت آموزش‌ها با آقای کهندل هماهنگ شوند.

نسل‌مانا

گفتند: شما، نابینایان، اصلاً خودتان را فرد دارای معلولیت نمی‌دانید و از اینکه خرتان را کنار اسب ما ببندند ناراحت می‌شوید.

گفتیم: نه برادر! این‌طور نیست. ما همیشه همه‌جا خودمان را سرپرست نابینایان و سایر معلولیت‌ها می‌دانیم و از حقوق همه یکجا دفاع می‌کنیم. همین قانون را که داشتیم می‌نوشتیم، یک چشممان به نابینایان بود چشم دیگرمان که خیلی سوی چندانی هم ندارد به بقیه معلولیت‌ها.

فرمودند: بله برادر! کاملاً مطلع هستیم. شما تقریباً در همه سخنرانی‌هایتان چشم ما را درآورده‌اید. هر جا می‌روید می‌گویید نابینایان فرهیخته‌ترین افراد دارای معلولیت هستند. آن‌چنان هم با ایمان تمام این حرف را می‌زنید، انگار این گزاره یک فکت علمی است که صدها بار توسط دانشمندان مختلف در سراسر جهان ثابت شده است.

گفتیم: خب! ما که خودبترین نیستیم برادر، ولی بر اساس آمار تعداد افراد دارای آسیب بینایی که وارد دانشگاه شده‌اند و به‌خصوص آنهایی که تحصیلات تکمیلی دارند، بسیار بیشتر از سایر معلولیت‌ها است.

فرمودند: اولاً که این آمار را از کجا درآورده‌اید؟ این آماری است که سازمان فخمه داده که خودتان روزی هجده بار بالا تا پایین آن را می‌شورید می‌گذارید کنار. چه شده حالا به آمار این عزیزان استناد می‌کنید؟! ثانیاً به فرض که این آمار صحیح باشد، مگر بالا بودن آمار تحصیل‌کردگان نشانه فرهیختگی است؟ اگر این‌طور باشد تحصیل‌کردگان در عموم جامعه هم بیشتر از افراد دارای آسیب بینایی هستند، آیا این بدان معنی است که آنها فرهیخته‌تر از نابینایان هستند؟

ما که حرفی برای گفتن نداشتیم کمی من و من کردیم و سعی کردیم بحث را عوض کنیم، اما خیلی موفق نشدیم.

ما را به خیر تو امیدی نیست!



چند روز پیش یکی از این دوستان دارای معلولیت که گویی مدیر یک کانال هم هست، با ما تماس گرفت. این طرف و آن طرف چیزهایی درباره‌اش شنیده بودم، اما خیلی سعادت نداشت با ما بیشتر آشنا شود. جواب که دادم، با اندوه گفت: آقای موشکاف! ما یک تقاضا داشتیم. گفتیم: بفرما فرزندم! ما که کارمان برآوردن تقاضاهای دیگران است. شما که روی سر ما جا داری!

فرمود: بیایید با سرپرستی شما، کمیته‌ای متشکل از سازمان ثبت احوال، سازمان بهزیستی، سازمان بازرسی کل کشور، فرهنگستان زبان فارسی و سازمان فرهنگ و ادب تشکیل بدهیم که تکلیف شما روشندان را روشن کند.

فرمودیم: تکلیف ما که از اولش روشن بود، ولی چرا باید این کار را بکنیم؟!

گفت: برادر! ما، معلولان، تقاضا داریم شما را از جرگه ما جدا کنند و خودتان برای خودتان یک فرقه داشته باشید. الحمدلله این روزها هم فرقه‌های انحرافی زیاد داریم، شما هم یکی از آنها.

گفتیم: حرفتان را قبول داریم، ولی دقیقاً منظورتان را نمی‌فهمیم.

نسل‌مانا

ما که هنوز دنبال سوراخی برای فرار می‌گشتیم، من‌من‌کنان گفتیم: خب! حالا با بچه‌ها صحبت می‌کنیم امسال که سال مشارکت ملی است، حضور بیشتری در اعتراضات داشته باشند.

بزرگوار فرمودند: عزیز برادر! اگر با ایشالا ماشالا کار درست می‌شد که ما الآن کرهٔ مریخ بودیم. شما را به خدا مراقب حرف‌زدنتان باشید که این فرهنگ خودبرتربینی جامعه را در میان نابینایان هم تقویت نکند. این طوری می‌کنید که آن طوری می‌شود. شما را به خدا طوری نکنید که طوری شود که بگویند طوری شده.

گفتیم: خب! حرف حساب جواب ندارد. چشم! با بچه‌ها بیشتر صحبت می‌کنیم که به راه راست هدایت شوند. اجازه بدهید در این خصوص بعداً مفصل صحبت می‌کنیم. الآن باید برویم چمدان سفر ببندیم.

گفتند: به سلامتی! کجا ایشالا!؟

گفتیم: راستش را بخواهید کرمان دعوت شده‌ایم به یک همایش در حوزهٔ نابینایی.

گفتند: همایش چی؟

فرمودیم: همایش حوزهٔ نابینایان است. به شما مربوط نمی‌شود.

نمی‌دانیم چه شد که بعدش کلاً دیگر سکوت بود. الآن چند روز است که آن بندهٔ خدا در بستر افتاده و فقط کف بالا می‌آورد. ایشالا که خداوند شفایش بدهد. این معلولان همین طوری هستند. یک‌هویی یک چیزی‌شان می‌شود. بندهٔ خداها خیلی زندگی سختی دارند.

خاکسار کم‌مقدار

میر باهوش موشکاف،

جاده سیرجان به کرمان، جنب پمپ‌بنزین

آقای معترض ادامه دادند: برادر! ما این‌همه تلاش می‌کنیم که بگوییم جامعه باید نگاه برابر به همهٔ اعضا، از جمله افراد دارای معلولیت داشته باشد، آن وقت شما خودتان را جدا می‌کنید؟! تازه کار به همین جا ختم نمی‌شود. شما عزیزان فرهیخته خودتان برای خودتان همایش‌های علمی فرهنگی ادبی، ملی و بین‌المللی و جشنواره‌های هنری راه می‌اندازید و ما را به هیچ‌یک از اعضای بدنتان حساب نمی‌کنید. خداوکیلی اگر در همایش‌های علمی که برگزار کردید، از عموم افراد دارای معلولیت دعوت می‌کردید بهتر نبود؟ آیا این کار به غنای بیشتر همایش نمی‌انجامید؟ هدف شما کار علمی بود یا دوره‌می کورانها؟!

ما کماکان دنبال راهی برای تعویض بحث بودیم که برادر ادامه دادند: خب عزیز برادر! شما که این کارها را می‌کنید، این تفرقه‌ها را می‌اندازید، این چیزها را می‌کنید، نتیجه‌اش این می‌شود که وقتی ما فراخوان می‌دهیم و اعتراض می‌کنیم به یک موضوع، شما و دوستانتان نمی‌آیید و وقتی شما فراخوان می‌دهید ما تلافی می‌کنیم. همین می‌شود که کارمان شده عین دوبدن روی تردمیل؛ صبح تا شب تلاش می‌کنیم، اما سر جای اولمان هستیم. خداوکیلی شما خودتان تو چند تا از تجمعات اعتراضی ما شرکت کرده‌اید؟

گفتیم: دیگر بی‌انصافی نکن جناب دونده! اولاً ما خودمان به‌شخصه حداقل در یکی از تجمعات شرکت کرده‌ایم؛ ثانیاً در راه مبارزات هم کلی هزینه داده‌ایم. همین دوست عزیز روشن‌دلیمان که به‌خاطر تجمعات گونی‌گیر شد مگر از نابینایان نبود؟!!

گفت: خیلی خوب است که همه‌جا از این دوستان مایه می‌گذارد، اما بدانید و آگاه باشید که ما در سه سال گذشته ۴۹ فقره تجمعات اعتراضی داشته‌ایم و شما به‌عنوان سرکردهٔ نابینایان، فقط در یکی از آنها شرکت کرده‌اید، یعنی در ۹۸ و ۲۵ درصد تجمعات حضور نداشته‌اید. من حرف دیگری برای گفتن ندارم.



 **PAMA**
پیاما



برجسته نگار هوشمند همراه، تولید شرکت پکتوس



صاحب امتیاز: انجمن نابینایان ایران

وبسایت: www.naslemana.com / ایمیل: info@naslemana.com

اینستاگرام: [@naslemana](https://www.instagram.com/naslemana) / تلگرام: [@naslemana](https://www.telegram.com/@naslemana) / واتساپ: +۹۸ ۹۱۲۷۲۷۷۵۵۳

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۵۶۰۲۵۵ / سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۲۲۲۲۶